



کارگران جهان متحد شوید!

# رزمنندگان

ارکان رزمنندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲ دوشنبه ۱۳ آبان ۱۳۵۸ ۲۰ ریال

# جاودان باد خاطره شهدای خلق ترکمن!

کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند. کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند. ولادیمیر ایلیچ لنین

## سرمقاله

## سرکوب، کشتار و توطئه در آستانه انتخابات

در صفحات دیگر می‌خوانید:

- رهنمودهایی در مورد نشریات فابریک (کارخانه)
- «حزب الله»: جمعیت مزدوران ارتجاع
- اول کشتار، بعد هیأت حسن نیت!
- راه کارگر و دفاع روی بونیستی از مارکسیسم (۲)
- اخبار جنس
- کاتدیهای ما

شاید تعجب آور نباشد اگر چه از نقطه نظر ما رکیسم این کاملاً غریب است (۱) ولی امروز پس از کشتار که از بهمن ۵۷ میگذرد، دیگر مسئولان به ما دهگسی قدیم به وقایع نگریست، هرگز به بطور مشخص نتوانیم نشان دهیم که چه طبقاتی و چگونه در مبارزه انقلابی شرکت دارند، و شرایط مادی ایشان چه وضعیتی را برایشان ایجاد کرده است، آنگاه چنین از گذشته درصیص و وقایع سردرگم باقی خواهیم ماند.

## خرده بورژوازی و انقلاب.

برای بسیاری از کمونیست‌ها و انقلابیون ما، حتی جریان اوضاع نتوانسته است خط اصلی و قانع و طبقات متفاد را نمایان کند. البته تا آن زمان که هنوز نیروهای اجتماعی به حد کافی درخشان انقلاب خود آشکار نشده بودند، این امر

برای بسیاری از کمونیست‌ها و انقلابیون ما، حتی جریان اوضاع نتوانسته است خط اصلی و قانع و طبقات متفاد را نمایان کند. البته تا آن زمان که هنوز نیروهای اجتماعی به حد کافی درخشان انقلاب خود آشکار نشده بودند، این امر

هرچه هیأت حاکمه بیشتر فترده می‌شود، هرچه ضدانقلاب بسوی استقرار قانونی خود که با مجلس شورا نه با بیان می‌رسد، نزدیک می‌شود، و هرچه جمهوری اسلامی «کاپیتولیشن» می‌گردد، ماهیت رژیم، سرکوب‌های وسیع سرکوب‌ها، و در نتیجه همراه و همزمان با آن هیأت حاکمه، از ارکانها سرکوب خود، پیش از پیش استفاده می‌کند. زیرا تا زمانی که جمهوری اسلامی «بلوغه» های قریب دهینده و در زمین خود مستقر نشده بود، مردم نتوانستند خوش و در روزها، اختیاری می‌بینی، بر عدالت اسلامی را می‌توانستند تصور کنند. و حالا توهم روزی جای خود را در اینجا به واقعیت عینی زحمت «تیره» وفا نیندند. زیرا به داری وابسته به میریالیسم می‌شاید، روپاها و مساوات خرده بورژوازی جای خود را به حکومت می‌سند و تا زمانی که بنده لاجرم نوده ها در مقابل چنین حکومتی صف آرایی می‌کنند، خلقها، کارگران، دهقانان و زحمتکشان برای احقاق حقوق خویش تا گریز از روپا ریزی تا روپا های خویش میگردند و چنین است که هیأت حاکمه، بیشتر خود را به تمام از غلاف بیرون می‌آورد.

انتخابات مجلس شورا ملی آخرین مرحله از تحقق قانون اساسی جمهوری اسلامی است. همه چیز جریان خود را طی کرده و آنچه که «پیش بینی» شده بود، از رئیس جمهور، اختیارانش، فقیه شورای نگهبان عملی شده اند. تنها یک قدم دیگر تا به دست خود می‌آید. اما نه است و برای مجلس شورا ملی بر می‌آید. اما فاشتاقی در همه چیز موج میزند.

واقعیت این است که مبارزات خلقها، در همه جا ادامه دارد. خلقی که در خلق ترکمن، همچنان سرخشان رودر روی سرما به دراز نور می‌سند، آن استنادی نمیکنند، حکومت که در مورد کردستان، با شکست نتگینی روبرو شد، با تمرکز نیروی سوری خلق کوچک ترکمن، با ایجاد دینا به و آتوب و کشتار شدن خلق ترکمن به سوری ناخواسته، و با قتل و عام زحمتکشان و دهقانان ترکمن، عملاً دوره جدیدی را در مبارزه علیه خلق و در جبهه ای وسیع می‌گشاید. اهمیت سیاسی مسئله ترکمن صحراً از آن جهت بیشتر می‌گردد، که رژیم سوری را در آنجا به کار برده است.

دستگیری و ترور چهار تن (و بعد از آن بیشتر) از رهبران خلق ترکمن بخودی خود نشانده تبعیض و در زنده خوبی هیأت حاکمه در رابطه با مبارزه بوده‌هاست. این عمل در آنجا به انتخابات مجلس شورا، انجام می‌گیرد. همه وقایع پراکنده، یکجا با خبر در کشتار رهبران خلق ترکمن معنی واقعی خود را از آنجا می‌کنند، هیأت حاکمه صف بندی خود را در برابر سرکوب‌ها به بیان ربا زده است.

## چند نکته در مورد جنبش کارگری.

یکسال پس از قیام بحران انقلابی فروکش نکرده است و ما نتوانیم بتوان گفت، از لحاظ کیفی، عمق بیشتری نیز یافته است. خواست‌ها و توقعات توده‌ها، همراه با رشد روز افزون آگاهیه‌ها، وسعت جنبش‌های خودبخودی را نامن زده است. تورم، بیکاری، گرانی، کمیابی اجناس، واقعیتی است که صفهای طویل نما زجمع می‌توانند آنرا بیوشانه، بحران از واقعیتی، انکارناپذیر بر خورده است.

ضعف بورژوازی برای مهار بحران و تثبیت اوضاع از یکطرف و بی‌توانی تاریخی خرده بورژوازی از طرف دیگر، به عمیق تر شدن بحران کمک می‌رساند. هر چند که ضعف اولی خود نتیجه شدت غلیان‌های توده‌ای است ولی ضعف سارمانی، بی‌ولتاریا و جنبش کمونیستی، توده‌ها و قسمت مهمی از طبقه کارگر را بدینسان بورژوازی و خرده بورژوازی کشته و آن لحظه تعیین کننده‌ای را که بی‌ولتاریا همزونی تاریخی خویش را بر آن تسلطان (بقیه در صفحه ۲)

# پیروزی مبارزات خلق‌های ایران!

نقشه از صفحه  
... خرده بورژوازی و انقلاب

روشن و صریحی نسبت به اصلی ترین مسئله در انقلاب ایران دست نیابند. الوصف مشاخره میان کمونیستها موضوع واقعی خود را یافته است. موضعیت خرده بورژوازی در انقلاب.

این مسئله بطریق دیگری بنسبه مفهوم انقلاب ما بستگی دارد. مفهوم انقلاب ما سؤالی کلی است که اغلب به شکل بلخانف و آن ظاهر میگردد (۱)؛ انقلاب ما دموکراتیک است یا سوسیالیستی؟ کسانی که در جریان مشاخرات میان سوسیال دمکراتهای روسیه و اشتراکات سوسیال دوم نسبت به انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بوده اند، خوب می میداندند که این سئوال کلیشه ای شکل جدیدی از همان سئوال معروف بلخانف از کائوتسکی است. منتها این بار از این سئوال و کمونیستهای ما سخن از تجربه ما لها مبارزه بولتاریسمی جهانی طرح میکنند. اشکال قضیه در اینجا هم دقیقاً مثل سئوال بلخانف "کلی باقی" و "عام بررسی" سئوال کنندگان میباشد. "انقلاب ما دموکراتیک است یا سوسیالیستی؟" آنها هم یکسال پس از قیام و تغییرات وسیع در نیروهای انقلاب!

این سئوال محدود کننده و انحرافی در ادامه خود به دومین سئوال مشهور بلخانف میانجامد (بشکل ایرانی آن، تقریباً تمام گروههای حسیط ۳ و همچنین راه کارگر، فدائیان و... آنرا به همین صورت طرح میکنند) بنا بر این خرده بورژوازی شهرونده (و از جمله خرده بورژوازی مرفه) در آن شرکت دارد و نیروی انقلابی و خلقی بحساب میآید یا نه؟ پس از این طبعاً سومی سئوال نیز پیرامون طرح اتحاد با این طبقات و علی الخصوص خرده بورژوازی شهری بطوریکه است: حمایت از روحتانیت مبارز جناح انقلابی حکومت و... تمام نکته در همین است که این سئوال از این غلط اند.

\* \* \* بیائیم بحای سرفرو بردن در این کلیات به عنوان مبدأ حرکت، از جهای دیگری شروع کنیم. اوضاع واقعی چگونه است؟ پس از قیام بلوک سیاسی بورژوازی - خرده بورژوازی مرفه سنتی روی کار آمدند. روحانیت حاکم بطور مشخص میان این دو بخش و اساساً خرده بورژوازی مرفه سنتی تقسیم میشد و خود ویژگی های آن علی رغم کوشش بی وقفه در اثبات استقلال کامل آن - نه تنها از طبقات بلکه حتی از گروههای اجتماعی - آنرا بصورت یک کاست، یا ماوراء بلوک سیاسی قرار نمیدهد. جداکنند آنرا در صف اول حکومت نشان میدهد. این بلوک سیاسی میان خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی

لیبرال، بلوکی بود بر اثر میسازات طبقاتی ۵۷ - ۵۶ قدرت خسرده بورژوازی مرفه سنتی که عمدتاً روحانیت بر آن متکی بود. آنرا ناما پندگی میکرد، بوجود آمد. خرده بورژوازی مرفه سنتی، بنا به موقعیت اقتصادیش، یعنی اینکه از سویی در مرز میان خرده بورژوازی و بورژوازی کوچک قرار دارد و از سویی دیگر اصولاً با سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و بورژوازی وابسته در تری - ایط ایران در تضاد و وحدت قرار دارد. هم در برابر توده ها و هم راه بورژوازی و هم در تضاد با خود بورژوازی قسزوار دارد. ما این خرده بورژوازی را بنظر شخص در تضاد و وحدت با بورژوازی بررسی میکنیم. و این نکته اساسی را بپسوسته در نظر داریم که، اصولاً وحدت این خرده بورژوازی و بورژوازی در حفظ سیستم، مبنای تحلیل ماست.

در حال حاضر این خرده بورژوازی در حاکمیت سیاسی جامعه حضور دارد. بنسبه عمارت دیگری از هیأت حاکمه است. اینکه خرده بورژوازی مرفه سنتی بخشی از هیأت حاکمه را تشکیل میدهد، از بورژوازی بودن حاکمیت سیاسی چیزی کم نمیکند. برای ما نه توضیح بورژوازی بودن بلکه چه نوع بورژوازی بودن و نه چه شکل است. اهمیت دارد.

حضور خرده بورژوازی سنتی مرفه در قدرت با سیاستهاش کاملاً قابل بیان است. این سیاستها در مصلحتها و محتوی بورژوازی هستند لیکن از جنس خرده بورژوازی آن، همه ما به خوبی میدانیم که بورژوازی لیبرالها خواهان حفظ سیستم سرمایه داری وابسته در چهار چوب ریندهای عمومی و مشا به زمان شاه هستند. تنها با این تفاوت که میخواهند سهم بیشتری از باز تولید سرمایه در ایران صورت پذیرد. و آن فائزنگریهای آشکار و وقیحانه دوره شاه گاهش یافته و در اشکال آنرومندان تری ادا مییابد. آنها در برابر سلطه بی چون و چرای بورژوازی بوروکرات و انحطاطی و دیکتاتوری بلا منازع دربار خواهان "مشروطه" واقعی و محدودیت قدرت و حقوق انحطاط بودند. آنها نه در پی نابودی رژیم شاه، و نه هرگز در فکر از بین بردن سرمایه های بزرگ انحصاری بودند. آنها صرفاً در جستجوی راه حل سازشکارانه بی تلاش میکردند، که در زیر چتر شاهنشاهی در قدرت سیاسی سهمیه بوده، و در کنار سرمایه های بزرگ انحصاری بخوبی و همچون آنها امکان و فرصت غارت ارزش اضافی را داشته باشند.

دزکنار ممالکات جویی بورژوازی لیبرال نسبت به رژیم شاه و امپریالیسم، ما شاهد سرخشی خرده بورژوازی سنتی مرفه در مخالفت با رژیم شاه و امپریالیسم بودیم. وی و سپس بنسب بودی سلطنت بودیم. خرده بورژوازی نه در پی بازبینی و مدارا با سلطنت بود، و نه در فکر آن بود که سرمایه های بزرگ انحصاری

را محفوظ بدارد. این فزاینده بورژوازی لیبرال که غایت مطلوب خود را در سرمایه کلان میدید، با تلخیصی فراوان طعم فشار رستم سرمایه های بزرگ و انحصاری را چشیده بود. و با دهان کف آلوده به یاتنگها و سرما به های بزرگ دشنام میداد. مخالفت دیرینه روحانیت با ربا و بهره بانگسی علی رغم جنبه مذهبی مخالفت با ربا و دیرین روحانیت، بخوبی نشانگر وضعیت خرده بورژوازی با سرمایه بزرگ بود. اعتراضات پناهی روحانیت پیر و خمینی به امپریالیسم و سلطه آن در ایران که در جلوه های مختلف مبارزاتی روحانیت و بازاریها منعکس بود، حکایت از عظمت خرده بورژوازی روحانیت پیر و خمینی مینمود. اینها و سیاستهای سیاستها و خواهستهای دیگر که دقیقاً با روحانیت خرده بورژوازی داشت، بعد از قیام بهمین ساه نیز در شکل های مختلف ادا میداشت. که در زیر بنه آنها خواهیم پرداخت.

پیش از هر چیزی باید خاطر نشان ساخت که حضور خرده بورژوازی در هیأت حاکمه هرگز موجب حمل خطت خلقی بر دستگای سیاسی حاکم نمیشود. زیرا آنچه خلقی و ضد خلقی بودن یک گروه اجتماعی را تعیین میکند، نه احکام کلی و الگوهای از قبل آماده، بلکه نوع برخورد و رابطه آن گروه با نظام حاکم، مناسبات ما بین طبقات بزرگوار است. ما نمیتوانیم هم از خلقی بودن مخدوم خرده بورژوازی طبق تئوری انقلاب دموکراتیک به این نتیجه برسیم که هیأت حاکمه بدلیل حضور خرده بورژوازی در آن جنبه خلقی یافته است. بلکه بعکس از خطت فدا انقلابی و ضد خلقی هیأت حاکمه در رابطه با حفظ نظام سرمایه داری و وابسته است. وضعیت ضد خلقی خرده بورژوازی سنتی مرفه را بدلیل شرکت آن در حکومت استنتاج میکنیم. ما بر مبنای تحلیل مشخص، خطت سیاسی خرده بورژوازی سنتی مرفه را تعیین و از ربا بینی می بینیم. نه بر این اساس فتنای و اجکام کلی. اما پیش از بررسی مشخص، ببینیم که خرده بورژوازی این پیچیده ترین موجودا مرفه بورژوازی چیست.

خرده بورژوازی طبقه بی بنیادینی و دوگانه است. از یک سو به بولتاریسم

بقیه در صحن ۱۱

- (۱) - "بلخانف از کائوتسکی چنین می پرسد:  
۱ - "خطت عام" انقلاب روسیه چیست، بورژوازی یا سوسیالیستی؟  
۲ - روش سوسیال دموکراتها نسبت به بورژوازی - دموکراتها چه باید باشد؟  
۳ - آیا حزب سوسیال دموکرات باید در انتخابات دوما از احزاب مخالف دولت پشتیبانی کند؟  
"لنین: پشتیبانان ترجمه روسی جزوه کائوتسکی: نیروهای محرکه و چشم انداز انقلاب روسیه ترجمه فارسی چهارمقاله - ص ۵۶

# «حزب الله»:

## جمعیت

### مزدوران ارتجاع



به دینوری جاری، به رئیس، محلی دارد و به ارگانی...  
 بیاید که میزبان بود، جمعی میزبان...  
 حقیقی از برای چنین، جا فوکن لات و...  
 تا می، حزب الله، اما به به...  
 سادگی...  
 این حزب در روزهای پیش از قیام...  
 بوجود آمد تا بیان آن آخوندهای مرتجع...  
 و رهبران نامشروع نظامات میلیونها...  
 مردم بود بلکه تا شمار...  
 حزب فقط حزب الله...  
 رهبر فقط روح الله...  
 وجود چنین چیزی را که متعلق به...  
 موجودی ما و راه اللّٰه، و خارج از زمین...  
 و آسمان بود، اعلام کردند، حزبی که...  
 از ابتدا، «هویت خود را بیرون نیندازد...  
 خود را سرزمینی نمیکرد تا بعدها بتواند...  
 هر چه بیجا و جدید...  
 در دوران قبل از قیام حزب الله...  
 و طبقه داشت علوی و سوسیالیست را بگیرد...  
 آغای حزب الله که در آن موقع جمعی...  
 از توده های تریس خورده و نا آگاه راهم...  
 شامل میشد، مخالف کمونیستها...  
 مجاهدین و نیروهای انقلابی بودند...  
 آنها مخالف شعارهای کارگری و دهقانی...  
 بودند... آنها هر خطا هراستقلال را که...  
 و استغنی به رهبری روحانیت نداشت...  
 میزدند بلکه قرار میدادند و مجوز آنها...  
 را بگیر (الله) یعنی خداوند، مصلحت...  
 کرده بودند اما این خداوند...  
 نمیتوانست مدتها چهره حقیقی خود را...  
 پنهان کند...  
 همه بخوبی به خاطر دارند که...  
 وقتی در روزهای تابوعا و عاصف...  
 رهبران سازشکار جلوسمار "مرگ...  
 شاه" را گرفتند انقلابیون و مبارزانی...  
 از مردم فریاد زدند: "مرگ پرضاه" و در...  
 مقابل آنها آخوندهای مرتجع تا شمار...  
 "حزب فقط حزب الله" میخواستند...  
 کردند... آنها را...  
 از جمعیت بیرون راندند و مورد هجوم...  
 قرار دادند. در آن موقع "حزب الله" به...  
 وظیفه جلوگیری از شعارهای انقلابی...  
 را تعهده داشت و شعارهایی را که...  
 بتوجه از "جلو" یعنی از طرف روحانیونی...  
 اقبال بهشتی، رفسنجانی و... صادر

### بنی صدر

و

### دوازدهم

با اینکه بنی صدر از طرف آیت الله خمینی به فریادها کل قفسه...  
 منصوب شده است، اما او موقعیت خود را به مثابه حافظ سیستم سرمایه داری...  
 وابسته به امپریالیسم است. از این طریق نیست که تحکیم میکند و میسر...  
 قدرت در رأس حکومت و میان جناحهای هیأت حاکمه را به بندبازی...  
 نه ای تبدیل نموده است. سیاست حفظ خود در این بویستون را که...  
 انتخاب شدن به ریاست جمهوری با وجود حضور در هیأت حاکمه دنبال...  
 حالا از طریق دیگری، یعنی از راه بهره برداری از نیروهای اجتناب...  
 در مقابل هم پیدا میکند...  
 در روز ۲۲ بهمن، ارتش جلوا ورزه می رود و در روز ۶ اسفند نیروهای...  
 نظامی غیر رسمی، نیروهایی که عمدتاً با بسیج مردم عادی سازماندهی شده اند...  
 نیروهای ارتشی بیگانه از جامعه و نیروهای جنگی ای که هنوز خود را با...  
 جامعه و اهداف فالتی ای که در مقابل آنها قرار داده اند بیگانه میکنند...  
 دینوری متفاوت! بنی صدر که در روز ۲۲ بهمن ارتش را شقویت میکند، در روز...  
 ۶ اسفند، خود را متکی به توده ها نشان میدهد، او به عنوان فرمانده نیروی...  
 غیر رسمی نظامی، نیز تخطی مینماید...  
 بنی صدر سخنرانی ای که در مقابل سفارت برای مردم "بسیج...  
 شده میکند، به ارتش هشدار میدهد، او به ارتش میگوید که اگر قاتل...  
 انسانی و روابط حکومت اسلامی را رعایت نکند، با نیروی مردم طرف خواهد شد...  
 مردمی مسلح که جلوه حرکت را که مخالف جمهوری اسلامی باشد خواهد گرفت...  
 چرا با اینکه ارتش منظم حافظ سیستم و نیروی فهریه متشکل...  
 است، یعنی مدرن و تجهیزات مسلح را در برابر آن قرار میدهد؟ برای اینکه خود...  
 دولت آنها را مسلح کرده است، و بخوبی آنها را در مشت خود دارد! و چرا با اینکه...  
 با سلاح مبارزه هیأت حاکمه با امپریالیسم روز بروز بیشتر طبیعت "کمدی"...  
 خود را بیان میکند، باز در روز دوشنبه نیروهای "بسیج" شده، در برابر ارتش...  
 قرار داده میشوند؟...  
 با اوضاع واقعی حاکم بر ترکیب هیأت حاکمه راه دیگری وجود ندارد...  
 چرا اینکه ارتش راهم فعالانه مورد بهره برداری قرار داد، و هم برای آنکه...  
 "به ابتکار خود" در صدد آرام کردن اوضاع بیرون بید یعنی به تیروی کودتا گیر...  
 مبدل شود، و با نتواند به عنوان نیروی مستقل خود را بر سیاست هیأت...  
 حاکمه تحمیل کند، نیروی دومی را در برابر ارتش قرار داد. بنی صدر...  
 در مقابل توده ها، ارتش و در مقابل ارتش، توده ها را میگذارد تا بتوانند بر هر...  
 دو حکومتی کند...  
 رژه نیروهای بسیج شده در مقابل سفارت انجام میشود، در مقابل...  
 محلی که قبلاً توسط دانشجویان پیرو خط امام اشغال شده است، در آنجا...  
 از اعتماد توده مردم نسبت به دانشجویان بهره برداری میگردند، رئیس...  
 جمهور که مخالف اشغال سفارت و افشاگریهای دانشجویان بوده و هست...  
 درست در جلوسفارت از نیروهای "بسیج" مان می بیند، و بدینوسیله با زهم...  
 توجه توده مردم را از اینکه امپریالیسم را در خود نظام ببینند، از اینکه...  
 برای نابودی امپریالیسم در ایران به نابودی سیستم سرمایه داری وابسته...  
 به امپریالیسم بپردازند، به دور دست به قاره، در آن سوی دریاها...  
 میکند...  
 "بسیج مردم" آری، اما علیه سراب امپریالیسم! برای حفظ مرزها!...  
 نه علیه نظام!...  
 "ارتش متشکل و منظم" آری، اما علیه مردم! برای حفظ مرزها!...  
 برای نظام!...  
 بنی صدر صفحه ۱۲

# نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

خلقهای ایران تا من کینه عفت انداخته است.

نوده ها، همچنان متوهم، آرزوهای خویش را از همین هیأت خاکمینه انتظار میکنند و از طرف هیأت خاکمینه، علیرغم اختلافات درونی چهار رکنی سمت تشکیلات سرمایه دارانه، اوضاع متنازح

در این حال، جنبش کمونیستی، در وجود عمده حرکت خویش، دچار تقصیرها و کمبودهای چشمگیری بوده و مجبوره یک تنوری پیشرفته انقلابی نیست.

واقعیت این است که پایه های این تنوری، اینجا و آنجا، در میانه جنبش کمونیستی وجود دارد و این با آن گروه به عنوان آژان دست یافته اند. در این میان، گروهها و جریانی که از درک روشنتری برخوردار بودند، به امر ارتباط با طبقه پرده خسته اند، اما با همه اینها، این ارتباط

سیار ضعیف است، مفهوم این ضعف آنجا بخوبی درک میشود که روشنفکران انقلابی هنوز نتوانسته اند وسیعترین شکل خود، در ارتباط با طبقه قرار گیرند. هنوز خود بخودی بر آگاهی غلبه دارد و جنبش خود بخودی طبقه، بدون ارتباط همه جانبه با جنبش کمونیستی وجود داشته و ندارد.

مبارزه طبقه کارگر بدون اینکه از ایدئولوژی خود، یعنی مارکسیسم لنینیسم بهره جویند، در اعماق جامعه ادامه دارد.

البته اینجا و آنجا، گروهها و سازمان هایی به این مهم دست نیافته اند، اما حتی این ارتباط نیز، اغلب با درک اگونومیستی و خرده کارانه همراه بوده است.

ارتباط بی برنامها طبقه، متمرکز نکردن نیروها بر کارگران بیسرو و به هر گوشه قابل دسترسی از این دریای نیکران کارگران دست زدن، از نمونه های بارز کار کمونیستهای ما در کارخانه ها و در میان طبقه کارگر است.

این ارتباطات، اغلب بسیار زود به تن بست رسیده و حاصل فعالیت م. ل. ها در بسیاری از موارد نصیب رویونیستهای پنهان و آشکار، و جریانیهای انحرافی دیگر شده است.

طبقه کارگر با همه وسعت حرکتش، بخودی خود، پیش می رود و جریانی که حتی بدرک امر ارتباط رسیده اند، در برخورد با آنها، ذخیره

شوریک و توان عملی شان به پایان میرسد!! آنها که در پاره ای موارد، نقش عنصر آگاه را تا حد جریانیات خود بخودی تنزل میدهند، در یک رشته عملیات سندیکایی و اگونومیستی غوطه ور شده تا بتوانند امر ارتباط را بهر قیمتی!! که شده حفظ کنند.

در جایی که مارکسیسم لنینیسم، امر ارتباط را در واقع، به معنایی امتزاج مارکسیسم - لنینیسم با جنبش طبقه کارگر، تخریب میکند، ادامه روشها و اگونومیستی در امر ارتباط، خیانت به منافع طبقه کارگر می باشد.

بر کار کمونیستهای واقعی، هرگز بیم تنوری های " عقب مانده و اشتباه آمیز خود" نمیچسبند، جدایی جنبش طبقه کارگر و مارکسیسم لنینیسم، ضعف و عقب ماندگی هر کدام را از ما من خواهد زد. تنوری های م. ل. بدون پیوند با

طبقه جز رویاهای خوش و سراپاهای آرزوچیز دیگری نخواهد بود. کسانی که خواهان این پیوند نیستند و از درک نمیکنند، در واقع، مارکسیسم لنینیسم را از روح خلق ورزیده اش خالی میکنند.

اما علیرغم این گاستها و نقائص، جنبش کمونیستی ارتباط بسس مهمی برای رشد و ستیابی به یک تنوری انقلابی پیشتاز برخوردار است. بنا

نگاهی به وضع طبقه کارگر در شرایط و اوضاع فعلی، و بدرک این نکته که وسعت جنبش طبقه کارگر و وجود شرایط انقلابی در برنومارکسیسم لنینیسم شروط اساسی تدوین تنوری انقلاب هر جا معمه مشخص است، این گفته را به دست میتوان درک کرد.

نگاهی به جنبش طبقه کارگر: جنبش طبقه کارگر ایران، در دوران دیکتاتوری و اختناق رژیم فاسد گذشته، از سال ۴۱ تا یکسال پیش از قیام، از رشد چشمگیری برخوردار نبود و تشکل این طبقه، حتی در عرصه های صنفی و سندیکایی عمدتاً دچار ضعف بود به علت فهم برای این وضعیت را نمیتوان شمرد:

- ۱- بدلیل رژیمهای فدا انقلابی رژیم که بواسطه توانایی های نسبی و رونق اقتصادی کوتاه مدتش انجام میداد.
  - ۲- بدلیل سرکوت و دیکتاتوری بی برده که بعنوان جز مکمل حرکت های روئینیستی اش بکار میبرد.
  - ۳- ضعف جنبش کمونیستی که خود بعنوان یک بنیاده محتاج بررسی جدی است.
- اما موفقیت انقلابی، وضعیت را عوض کرد و طبقه را به نیرویی که وارد

عرصه مبارزه طبقاتی خادی شده است تبدیل نموده و با ارتجاع و نظمیسم موجود درگیر کرده است.

از طرفی نظام موجود نتوانسته است سلطه خود را بر طبقه کارگر و کسب جامعه حفظ کند و جنبش های خود بخودی - علیرغم حفظ ضعف های گذشته - نشان - همچنان ادامه دارند. از طرف دیگر، کارگران که سازمان های مختلف سندیکایی مشخص و مستقل خود را ایجاد کرده بودند، در این مرحله - هم، در راه ایجاد آنها دچار مشکلات زیادی هستند. هر چند که تاکنون توانسته اند در درون خود، بنفقه های تشکیلاتی مختلفی، از هسته های کارگری مخفی تا شوراهای سندیکا های واقعی را تشکیل دهند.

این طبقه، علیرغم وضعی که در سطوح سازمانی، چه سندیکایی و چه سیاسی، داشته اند، در سیاست و در قیام، البته بدینال خرده بورژوازی شرکت کردند و در نظرات، اعتمادات و نما نیهای خیابانی و نهایتاً در قیام مسلحانه شرکت جست و شهید دادند. اگرچه این شرکت طبقه کارگر مستقیم نبود، ولی به ستیابی شدن این طبقه و انتظاراتی که چه از جهت ستیابی و چه از جهت اقتصاد، در پی قیام پیدا کرد، کمک فراوانی کرده است.

کارگران، امروز، حتی در واحدهایی که در دوران اختناق و سواستی مبارزاتی مشخصی نداشته اند، اینک کل نظام سرمایه داری را مورد اعتراض قرار میدهند. آنها به روابط سرمایه داری و به فشارهای سیستم معترض اند و این اعتراض از یک خصوصیت آشکار سیاسی برخوردار است.

رژیم قدر نیست استیوه خواست های عمیق طبقه کارگر را برآورد و سازد، اقتصاد توحیدی سرمایه دارانه، بنی صدر، بعنوان ایدئولوژیک این رژیم، قدر نیست به خواست های این طبقه که خصلت عینی دارد. واضح نگوید.

هر چند که بخش وسیعی از این طبقه، هنوز نسبت به هیأت خاکمینه دچار توهم است ولی باید دید که این توهم به چه معناست؟ معنی توهم این است که این طبقه گمان میکند که هیأت خاکمینه قادر است مسائل را با تانج گویند و حکومت این مسائل، بکطرف قضیه است و توهم نسبت به راه حل های آن، یک

جانب دیگر، بازی سرنوشت این رژیم طوری است که، طبقه کارگر، احساسی در توهمش، نظم سرمایه داری را زیر سؤال میکند. اگر آنها تصور میکنند که جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی قادر است مسائلشان را حل کند،

با این ظاهر هم هست که گمان میکنند حکومت اسلامی، چیزی غیر از نظم سرمایه داری و استهلاست، آری، طبقه کارگر، حتی در توهمش، محسوی نظم جمهوری اسلامی را زیر سؤال میکند.

شرایط بحران انقلابی، مسائلی را در مقابل طبقه کارگر قرار داده است که مسائل خاص این دوره اند.

توجه نکردن به این ویژگی ها و مسائل، ما را به آنجا میکشاند که از معنی آگاهی تردیونیستی - که تجسم آن در ضعف تشکیلات تردیونیستی است - این نتیجه را بگیریم که در این مرحله، محور اساسی مبارزه طبقه کارگر، مبارزات اقتصادی است!! تکیه کردن بر مسائله ضرورتها، توضیح

نیروهای م. ل. به متمرکز کردن نیروها در مبارزه اقتصادی، طبقه کارگر را به انحرافی است که از همین عدم توجه و نارسایی درک وجودی آنها، اکثراً ما با جامعه روئینیستی که یک طبقه، اساس اعتمادیات خود و روابط خود را تثبیت کرده و این راه طبقه کارگر و سایر طبقات تحمیل نموده یا شد.

ما هنوز در یک مرحله انتقالی هستیم که چشم انداز روشنی تیر برای طسی این پروسه وجود ندارد. هنوز طغیان ها و غلغیان های کارگری نخواهند و طغیان های دموکراتیک نیز سطور اساسی فروکش نکرده است.

مسأله ارتش هنوز حل نشده و دست بدست شدن نیروهای مسلح و تعداد آنها ( پاسدارها، کمیته ها، سپاه گمان، شاخه نظامی فدائیان اسلام ) بخونی اشیات کننده این مدعاست.

هر چند که اعتقاد داریم، بعد از انتخابات ریاست جمهوری دوره تازه ای از وحدت و تفا در درون هیأت خاکمینه شروع شده و سرمایه جبهه متحد خویش را تشکیل داده است، اما بحران انقلابی فروکش نکرده است و ما هنوز با همه مشخصات یک دوره آکنده از شفتگیهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روئین هستیم. دوره ای که طبقه ای نتوانسته است با اعمال هژمونی خود دیکتاتوری خود به آن خاتمه دهد.

توان خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی، برای حل این بحران کافی نیست. مسائل طبقه کارگر از این شرایط جدا نموده و حتی مسائل سندیکایی سندیکایی نیز در همین رابطه حل میشود.

# رهنمودهائی

## در مورد

### نشریات فابریک

#### (کارخانه)

طبقه کارگران ایران، شرایط خاص و دورانی از آزادی را از سر میگرداند. درحالی که مبارزه طبقاتی در سطوح سیاسی و اقتصادی از عمق و کیفیتی متفاوت با گذشته برخوردار است، وظایف نوین و مفاصل فعالیت متعددی مقابل پای پیشروان طبقه قرار گرفته است. پس از یکسال که از قیام پنهان ماه میگذرد و پس از ماههای طولانی که بوده و طبقه کارگر در تنگنا و تناب همچنان انقلابی میبوزد، درحالی که هنوز "خودبخودی" بر "آگاهیه" غلبه دارد، انقلابیون کمونیست با وجود گرفتاریات آگونی میسختی نتوانسته اند نقش مناسب خود را بازی کنند، مبادا هر چه در دسترس چمنگیر معافسل کارگری و کارگری روشنگری در سراسر کشور هستیم. اینها با ارتباط و بساط بدون ارتباط با سازمان های کمونیستی، علیرغم بی برنامگی و خرد کاری توانسته اند نقش مهمی در ارتقای طبقه کارگری کنند. اینها با اتساع نزدیک مسائل و مشکلات و طبقه خویش را سنگین نموده اند. و اینها و اینها با ارتباط و بساط بی ارتباط با سازمان های انقلابیون کمونیست، به فعالیت های سنگین و طاقت فرسای شان روزی در ارتباط و ترویج و سازماندهی پرداخته اند اینها که علیرغم کثرت و کاستی ها، به فعالیت جدی ترویجی و تبلیغی در کارخانه ها و محلات پرداخته اند، مبادا همه آرجی که بزرگواران باید گذاشت، متأسفانه به علت کمی تجربه و آگاهی و گرفتاریات آگونی میسختی نتوانسته اند از همه انرژی خود در راه منافع طبقه کارگر، بهترین بهره را بجویند. یکی از دست آوردهای این محافل، نشریات کارخانه بی است که متجاوز از ۱۵۰ عنوان تا بحال منتشر شده اند. هرچند که بهره ای از این نشریات در ارتباط با گروهها و سازمانها منتشر شده اند ولی حتی اینها نیز

از نظر زمانها و گروههای خوب نیست. رهنمودهای منطقی در اختیار نگرفته و گویا بود و بسوی این رابطه تنها در افزایش امکانات فنی تخطی داشته است. ما از این شماره بتدریج رهنمودها بی را در مورد کار کمونیستی در بین کارگران منتشر خواهیم کرد، در این شماره راجع به نشریات کارخانه ای مقاله ای داریم.

\* \* \*

اگر بدستی اعتقاد داریم که نیروی عمده کار کمونیستی در میان کارگران را باید در شرایط فعلی بسیر پیشروان طبقه کارگر متمرکز کرد، همما - بطور هم به این نکته توجه خواهیم داشت که این تمرکز، هرگز به معنای بی توجهی کمونیست ها به توده ها نیست. کمونیست ها، چه از طریق پیشروان طبقه و چه بطور مستقیم در بین توده های کارگر، دست به تبلیغ، ترویج و سازماندهی خواهند زد. انتشار نشریه های کارخانه ای توسط هسته های سیاسی کارگری در ارتباط با سازمان های انقلابی کمونیست میتواند (اگر بدقت عملی شود) نقش تبلیغی، ترویجی و سازماندهی مهمی داشته باشد.

برای انتشار این نشریه، باید تکلیف خود را در مقابل این سه سؤال روشن کنیم:

آیا انتشار نشریه ضرورت دارد؟  
مخاطبین این نشریه چه کسانی هستند؟ مضمون محتوی نشریه چه باید باشد و نشریه را چگونه باید سازمان داد؟ مخاطب نشریه کارخانه ای چه کسانی هستند؟

برای پاسخ دادن به این سه سؤال باید قدری از طبقه کارگر را از لحاظ پیشرو و غیر پیشرو بودن تعیین کنیم. از این لحاظ کارگران را میتوان به سه گروه تقسیم کرد.

۱- کارگران کمونیست و انقلابی: کسانی که به آگاهی طبقاتی دست یافته و همواره زمانها و گروههای انقلابی کمونیست هستند. تغذیه فکری این دسته از کارگران از طریق نشریات کمونیستی و نشریات ارکان سازمانها و گروهها می باشد. "رزمندگان" در واقع برای این قبیل کارگران و انقلابیون منتشر میشوند.

۲- کارگران پیشرو کارخانه ای کارگرانی هستند که به آگاهی تردیوسیتی دست یافته اند. بیرویه مبارزه اقتصادی و منطقی را پشت سر گذاشته و به یک نوع آگاهی "جنبشی" رسیده اند. اینها عمدتاً متمایل به چپ بوده و آماجمی جذب آگاهی های سوسیال دموکراتیک را دارند.

وظیفه کارگران کمونیست این است که آگاهی تردیوسیتی این نشر

را به آگاهی سوسیالیستی تبدیل کنند. ۳- کارگران نا آگاه: اینها بوده های کارگرند که انقلابیون سوسیالیست و قبلی گشیده میشوند. مخاطب نشریه کارخانه کارگران گروه دوم یا کارگران پیشرو کارخانه ای هستند. کمونیست ها برای کارگران نا آگاه به نشر اعلامیه و تراکت ها بسنده میکنند.

با شناخت مخاطبین نشریه باید به دقیق تر کردن محتوی آن پرداخت.

گفتیم کارگران پیشرو کارخانه ای کسانی هستند که آگاهی تردیوسیتی داشته و عمدتاً به چپ متمایل اند. اینها قشر وسیعی از کارگران را در بر میگیرند. ارتقاء آگاهی سوسیالیستی تردیوسیتی به سوسیالیستی، وظیفه انقلابیون کمونیست است که بکنند از طریق انجام این وظیفه، نشریات این گونه نشریات است.

این کارگران در معرض انواع واقسام تبلیغاتی و ترویجیهای غیر سوسیال دموکراتیک می باشند. ریسک همینطور که اینها مناسبترین مخاطب برای تبلیغ و ترویج کمونیست های انقلابی اند، به همان نسبت هم در معرض خطر و مورد شکار ایدئولوژی های غیر پرولتری میباشند. تضمین این خطر چیست؟ آگونیسم، رفرمیسم، سندیکالیسم، آنارشیسم و ... آگاهی طبقاتی در این قشر نفوذ نمیکنند مگر آنکه با ایده ها و گرایش هایی که مانع نفوذ سوسیالیسم در طبقه هستند، آنها را

بیدارند. آگاهی تردیوسیتی به سطح بالاتری ارتقاء پیدا کند و به آگاهی سوسیالیستی تبدیل شود، مبارزه کرده، مثلاً در این مرحله، اندیشه

حکومت اسلامی، با همه وعده و وعده های که میدهد قسمت مهمی از پیشروان طبقه را بخود جلب کرده است. هرچند این امر نسبت به چند ماه گذشته تغییراتی کرده است. آنها که با محیط های کارگری سروکار دارند، اذعان خواهند داشت که بخشی از فالانتهای کارخانه ها، حتی از کارگران پیشرو بوده و در واقع آنها بی هستند که آگاهی تردیوسیتی داشته و اندیشه ها و موهومات خنجرده بورژوازی مانع نفوذ ایدئولوژی پرولتری در بین آنها میشود. اندیشه حکومت اسلامی، در همه سطوح، جنبه در مسائل درون طبقه و در مسائل دموکراتیک انحرافات در این قشر پیدا کرده است و اتفاقاً نفوذ بسوس ایدئولوژی و سیاستها در بین توده کارگران، همانطور که انتظار میسرود با بدبا شد در کارخانه ها بسویله همین نشریات کارگران پیشرو عملی میشود.

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

# راه کارگر و دفاع رویونیستی از مارکسیسم (۲)

در مورد یک واقعه مشخص مانند جنگی که در افغانستان جریان دارد چگونه میتوان سیاست مارکسیستی اتخاذ نمود؟ سیاست مارکسیستی - لنینیستی بر چه زبانه‌یی میتوانند دنیا دگر دهد؟ واضح است که هر پدیده گذشته و حال و آینده‌ای دارد. برای درک عملی یک واقعه سیاست می‌بایست ابتدا گذشته و سبب تکاملی آن را مورد بررسی قرار داد تا بتوان وضعیت کنونی آن را درک نمود و خطوط حرکت آینده آن را ترسیم کرد در مورد جنگ نیز جز این راهی نیست لنین در این مورد میگوید:

"چگونه میتوان به "ماهیت حقیقی" یک جنگ پی برد و آن را تعیین نمود؟ جنگ ادامه سیاست است. بایستی سیاست قبل از جنگ را با سیاستی که جنگ از آن ناشی گشته و میگردم مطالعه نمود"

(کاربریکاتور از مارکسیسم ص ۱۲ ترجمه فارسی)  
برای بررسی جنگ افغانستان و لشکرکشی روسیه نیز جز بررسی سیاست طرفین نخواهد بود. قبل از جنگ و هنگام جنگ و جزندقیق این مسئله که این سیاست ها منافع چه طبقاتی را پاس میدادند و میدادند را در نظر بگیریم و وجودندارد.

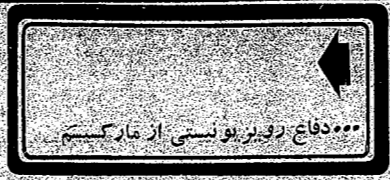
راه کارگر بدون اینکه بخود رجعت بررسی دقیق سیاست گذشته کودتا چنان افغانستان را بدیده بزرگ کردن بکشد، صف مرتجعین مخالف حکومت و تأکید یکجانبه روی جنبه وابستگی آمریکا بطور غیر مستقیم و شرمناکه در عین حال متناقض به تأیید و تقویت کودتا چنان می بردارد.

از دیدگاه راه کارگر آنچه در افغانستان میگذرد عبارت از مبارزه بین انقلاب و ضد انقلاب، بین خلق و ضد خلق و ترقی خواهی و کهنه پرستی و در این میان رویونیستهای کهنه کار حزب دموکراتیک خلق که با کمک کودتا دستگیر دولتی و تمام مضمایم ارتش، پلیس، بوروکراسی زندانها و غیره را که در اختیار خود میتوانند آنها و کمپرا دورهای افغانستان قرار دادند از بنا لا تصرف کرده اند همراهم تمام آنچه تصرف نموده اند (کل دستگاه دولتی) در تصرف خلق قرار میگیرند. در نتیجه سیاست انقلاب که عبارتست از سیاست خلق بر علیه فئودالها و امپریالیستها در مقابل سیاست فئودالها و امپریالیستها و تمام بندگان، سیاستان قرار گرفتند و جنگ کنونی حاصل ادامه همین سمت رسیدن چنین سیاستها هستند. علاوه بر این راه کارگر معتقد است که بعلمت "عملکردت‌های رویونیستی حاکم بر سازمان های رهبری کننده این کشور"، این سازمانها که دولت ضد فئودالی و ترقی خواه افغانستان را بوجود آورده و رهبری مبارزات خلق را بعهده دارند نتوانسته اند آگاهی انقلابی را میان خلق برده و آنرا بسجخ ضامنند و در نتیجه دهقانان افغانستان تغذیه گاه اردوگاه ارتجاع شده اند برای رفع این نقیصه و ضعف اساسی انقلاب افغانستان که همانا انقلابی است بدون شرکت فعال خلق ارتش اتحاد شوروی کمک آمده لنین اینگونه کمک رسانی بطوریکه آنستند در بر طرف ساختن معترف اساسی انقلاب مؤثر افتد و نیز اشکالات و عوارضی را مطلوب بنا رنیست آورد. بدین ترتیب ستارجوی انقلاب خلقی افغانستان نوشته شده و به بیگانگی سپرده میشود بدون اینکه نیازی به بررسی مشخص و تحلیل سیاستهای گذشته کودتاگران باشد.

در واقع در اینجا بطور ناخود آگاه و ناخود داشت هسته های نظری مشترک، بزبان معکوس بوده ایها بکار گرفته میشود. چه کسی انقلابی است؟ آنکه تا امپریالیسم آمریکا و متحدانش مبارزه میکند و مبارز در جنگ چه کسی حق است؟ آنکه از طرف اردوگاه سوسیالیسم "حمایت میشود هنگامیکه سیستم فکری ما موضع گیری ما در مقابل مسایل بین المللی را از پیش مشخص کرده باشد. دیگر بررسی مشخص هر مسئله خاص به چه کاری می آید و البته در مورد افغانستان اشاره به حاکم بودن تزهستانی

رویزیونیستی بر حکومتگران افغان و تاناسانی ها و عوارضی نا مطلوب کمک! شوروی تغییر در مسئله ایجاد نخواهد کرد بلکه آنرا متناقض میسازد. با رویونیست با بدما نندن رویونیست برخورد کرده میشود مارکسیستی که انحرافات را درک محدود و منافع رفقای راه کارگر از رویونیسم بر آنست که همچنانکه شوروی با وجود تمام انحرافاتش، کشوری است سوسیالیستی (یعنی لزوماً دیکتاتوری پرولتاریا بر آن حاکم است) رویونیست ها هم همان مارکسیستهای هستند که جزیی انحرافات را دارند که باید بر طرف شود. بدین بیان است که رفقها از رویونیستها آنهم کسانی که نالها بهم کاری نرند که با ارتجاع مسئول بوده اند و اکنون به کشتار خلق مشغولند انتظار دارند که به هیچ خلق نپیزدند و آگاهی انقلابی را میان آنان ببرند. کسانی که در این همراه با بقیه انقلابیون بر لزوم درهم شکستن ارتش ضد خلقی نیای میفشارند و می فشارند در مورد اینکه چگونه در افغانستان ارتش و بوروکراسی و سایر منضات و ملحقات دستگاه دولتی در طرفه الیمسی انقلابی شده ختی سخنی هم بر زبان نمی آورند و بدین ترتیب بدون بررسی سیاست حزب دموکراتیک خلق قبل از کودتای آوریل و روابط این حزب با ارتجاع حاکم در زمان دارد و ظاهر است بدون بررسی سیاست حزب دموکراتیک، بدون بررسی آنچه باعث اخراج بزرگ کارامل کوبنیستهای امین، کودتای بزرگ و غیره گردید و نیز بدون توجه به سیاست شوروی در قبال حرکت از مسایل فوق و بدون در نظر گرفتن رابطه تمام این جریانها با منافع خلق افغان راه کارگر با دوجمله گویا به تأیید کودتا و کمک شوروی میبپردازد. با این وجود آیا هنگامیکه میگوئیم سیستم فکری راه کارگر و جنبه گرای بی یونیده و بیها آن از قبل موضع راه کارگر را روشن کرده است. آنها می بجا به رفا زده ایم؟ ما قضاوت در این مورد را به خواننده واگذار میکنیم و در اینجا فقط به یک موضوع اشاره میکنیم شما کسانی که حوادث افغانستان را شقیب کرده اند خوب می میدانند که بلافاصله پس از زوری کار آمدن بزرگ توسط ارتش امپریالیستی شوروی وی ادعا کرد که در دوره امین دهها هزار نفر کشته شده یا شکنجه دیده اند و قول به آزادی زندانیان سیاسی و مذاکره با جنگجویان ضد دولتی برای حل مسالمت آمیز مسئله داد و امین را عامل امپریالیسم آمریکا خواند. و نیز همه میداند که جنگ بین نیروهای دولتی و شورشیان در زمان امین نیز همچنان ادامه داشت و حتی او پیشتر باقیته بود. حال این سؤال پیش می آید که این دهها هزار چه کسانی بوده اند. این خلق نصیب کشیده که بدست این جلادها عتراف خود بزرگ شکنجه و قتل عام شدند آیا جز مخالفان دولت وقت بودند؟ واضح است که نه. بنا بر این اگر همه مخالفین دولت ضد فئودال و ترقی خواه افغانستان تحت رهبری مرتجعین وابسته با امپریالیسم قرار دادند و امین نیز خود عامل امپریالیسم آمریکا می بود چه حماقتی او را و امید داشت که متحدین خود را با بیرحمانه قتل و عام کرده و شکنجه نماید و نیز چگونه است که بزرگ نخواهد با مرتجعین وابسته با امپریالیسم که بر علیه دولت "ترقی خواه و ضد فئودال" افغانستان دست به جنگ مسلحانه زده اند. مذاکره، مسالمت امپریالیسم توافق برنده جز برای این "مذاکره مسالمت آمیز" ارتش شوروی را همراه خود دارد. و آیا امین یکی از رهبران حزب دموکراتیک خلق نبود که ترکیب او از رفیق و فادار حزب دموکراتیک خلق رهبری کننده نظامی انقلاب آوریل سخوادند و آنگاه اتحاد شوروی اولین کشوری نبود که کودتای امین را برسمیت شناخت و همه گونه حمایت از وی را در پی نمود پس چگونه است که ناگهان امین به عامل امپریالیسم آمریکا تبدیل میشود و جلاد ارتش درمی آید که هزاران نفر را قتل و عام کرده است. آیا کابینه بزرگ دولتی کابینه "اشتی ملی" نیست که در شروعیم شدن اوضاع حکومت امین

## قطع کامل دستهای خونین امپریالیستها، فقط



بسیار آرام کردن و معارضه روی کار آمده است تا امن را قربانی و حکومت و ایستگان به شوری را با خنک و دندان حفظ نماید.  
راه کارگر بدون توجه به مسائل فوری و صدها مسئله دیگر از این قبیل - راه خود را میروند و با ترخوردگلی و استزایی به مسئله ذهنیات خود را بسیر و اقیامات افغانستان تحمیل مینمایند.  
اما بنیبنیم راه کارگر در مورد طرف دیگر قضیه چه میگوید و سیاست آنرا چگونه تبیین میکند.

"آنچه نیروهای رنگارنگ این جبهه (منظور جبهه نیروهای مخالف دولت است) اعم از زمینداران بزرگ، سران عشایر، قاجا قچیان، نظامیان و روحانیون مرتجع و طرفداران مزدورطاهر شاه، وادو خان، و بلاخره همه و ایستگان و عمال چندجبهه، امیریا لیسیم را بهم نزدیک ساخته است، منافع مشترک آنها درجات نظام قرون وسطایی فتوادی لینه و تسلط و ارتباط شمیرتی در افغانستان است" ص ۴ راه کارگر شماره ۸

کلیه دست اندازگان ما جزای افغانستان اعم از سوسال امپریال - با لیستهای روسیه و یوکران بوسی آنها در افغانستان و حزب ارتجاعی اخوان المسلمین و امیریا لیسیم آمریکا بخوبی میدانند که جبهه سومی در مقابل آنان بجوشیده شده است این جبهه عبارت از جبهه نیروهای کمونیستی و انقلابی افغانستانی که در آن سازمانهایی نظیر آگسیر و محاهدین خلق افغانستان شرکت دارند. این جبهه برای رهایی و استقلال واقعی افغانستان تلاش میکند و این هدف را از طریق بسیج نیروهای توده‌ای و بردن آگاههای انقلابی میان توده‌های کارگروهها - بن تعقیب می نماید (یعنی کاری را انجام میدهد که راه کارگر بدون توجه به ماهیت طبقاتی حزب دموکراتیک خلق و سیاست های خائنه اش از آن انتظار ندارد) تلاش این جبهه معطوف به این است که با جلب نیروهای توده‌ای گنجه

فربین مرتجعین مذهبی را خورده اند و تسلط رژیم وابسته شوروی را درهم شکستند و فتوادی آنها و کلیه و ایستگان با امیریا لیسیم را سرکوب نمایند. این جبهه علیرغم اینکه در مقابل جبهه نیروهای تحمیل کننده رهبری اخوان المسلمین ضعیف می باشد اما نطفه یک حرکت اصلی توده‌ای را در دل خویش می پروراند و از آنجا که به نیروهای بالنده تاریخی استکبارانه در چشم انداز استکبوری زمینداران انقلابی خلق در پیش روی پیش گسترده است و تاکنون نیز اینها و آنجا موفقیت‌ها بی داشته و در بعضی مناطق افغانستان دی نفوذ می باشد. نیروهای انقلابی در گردنبرد چرخه

رهبران خائن حزب حاکم وجه رهبران مرتجع اخوان المسلمین بنا به مصالح طبقاتی خویش از رشد این جبهه انقلابی در هر اسنادوسی در شکوت گذاشتن آن دارند. رهبران خائن حزب حاکم در افغانستان تلاش میکنند بر اینست که مخالفان خود را مرتجعین معرفی نماید که قصدشان بر تراری و زنده کردن مجدد روابط فتوادی است که گویا توسط رژیم حاکم با بسک بخشنده و از طریق بوروکراسی تحت تسلط فتوادی آنها طغی شده است. نسبتا

با این ترتیب راه کارگر به بی گیری سیاست قبل از جنگ کودتاچیان و بررسی ماهیت آن نمی پردازد بلکه در صف مخالفین حکومت نیز هیچ نمایی قابل تمییز و تدبیر ترتیب در عمل تنها رویزیونیست ها و و ایستگان به شوری را تقویت می نماید و در واقع از نقطه نظر سیاست عملی بطریق دیگر بهمان نتیجه میرسد که حزب توده و آن عبارت از حمایت فعال از حکومت رویزیونیست ها در افغانستان در مقابل صفا و حد مرتجعین و بسته با مزیکا و تدبیر نخواست که راه کارگر از تشریح آن حقایق عینی و آن واقعیت های مسلم و روابط حقیقی بین طبقات که مبنای است ایستگان و رویزیونیست های نظم سیاست صحیح و اصولی مارکسیستی باشد تا جاسا جز میماند توده

در مقابل کمونیستهای افغانستان به توده های زحمتکش میگویند: رویزیونیستها نمیتوانند برای ما سوسیالیسم با رفقا ن بیاورند. رویزیونیستها با استکبار به حمایت شوری و بدستوران دستگا دولتی را قیام کرده اند و تا در به تغییر انقلابی روابط موجود هستند نه بفرمان آنها بفرمان ما با روسیها هستند. بگردنیروهای کمونیست و انقلابی جمع شوید تا با حرکت متحد و مشکل و آگاهانه خود طوما رژیم ضد خلقی کنوسی را درهم پیچیده و مخالفین مرتجعش را سرکوب نمائیم و قدرت خلق را به رهبری طبقه کارگر برقرار سازیم.

کمونیستها به توده ها میگویند: از زیر پرچم فتوادیها و ملامت با زیر پرچم کمونیستها بیا نید و صفوف انقلاب را فشرده تر سازید و با قدرت خلافت خویش ما شین دولتی را درهم بکوبید.

راه کارگر میگوید: از زیر پرچم فتوادیها نیروی ضد و زیر پرچم رویزیونیستها برود و ما شین دولتی را حفظ کنید تا انقلابستان بر روی شما

کلی گویی بنا به می برد و منظره ای از افغانستان برسیم. مینمایند منحنون ارتضا فضا و آکنده از اینها مات گوناگون، راه کارگر به ما بند حزب توده است که هر چه استاد ازل گفت بگو می گوید و به سبب تفکرش اجازه میدهند که به نتایجی سوا و در سیاست خارجی برسد نه مثل او و اقیامات را تا دیده میگرد و به تا بید جا کرانه سیاست شوری تن میدهند و نه میتوانند و اقیامات را تا با خرتعقیب نماید. نه میتوانند به رویزیونیستها حمله نکند، نه میتوانند آنها را رد نماید. نه میخواهد به ما رکسیسم خیانته کند و نه میتوانند تا با خائنه به ما رکسیسم مماشات ننمایند. آنجا که از مرتجعین وابسته با مزیکا سخن میگوید خلق و دولت را یکپارچه می بیند و آنجا که از دولت ضد فتوادی و ترفی خواه سخن بمیان می آید و صف مخالفین را یکدست می بیند. هم طرفدار مبارزه مستقلانه خلق است و هم از دخالت شوری حمایت میکند در عین حال هم از نارسایی و مشکلات و عوارض نامطلوب "این نوع کمک رسانی صحبت میکند و هم این نارسایی و عوارض را بحال خود را میگوید. و بدین ترتیب هم علاقه اش به مارکسیسم ارتدکس را نشان میدهد و به واقعیت اشاره میکند و هم تقیدش را به رویزیونیسم بین المللی را عرضه میدارد و زیر و اقیامات پرده میکند.

و چنین است که با این ساز و برگ جنگی متناقض هر کس بیروزشود در حقیقت شکست خورده است.



گفتیم که مینشان متناقض دفاع رویزیونیستی راه کارگر از زمینار - کسیم در عمل به همان نتایجی میرسد که رویزیونیسم مدرن و اکسیون میگویند که این بیش از نقطه نظر سیاسی - عملی اهمیت فوق العاده ای دارد و مینشان متناقض جمع بیا فریند. بنیبنیم رفقای راه کارگر چه توصیه ای برای خلق افغان دارند.

آنها خلق افغانستان میگویند: دهقانان زحمتکش و توده های ستمدیده افغانستان دولت شما دولتی است ضد فتوادی و ترفی خواه. این دولت نتواند تمهات شما را بسج کند و ضعف اساسی نیست. زیر پرچم آن جمع شوید تا خود را از خارج بی نیاز سازید و مرتجعین را بیرون بریزید. بدین ترتیب انقلابستان پیشرفت خواهد کرد و به پیروزی خواهد رسید. در این راه از کمک "اردوگا سوسیالیسم" نیز استفاده کنید. بدین طریق تا سوسیالیزم پیش خواهید رفت و احتیاجی به انقلابی دیگر نخواهید داشت.

دهقانان نا آگاه افغانی که این حرفها را میشنود ابتدا برافروخته میگردد. تا خود میگوید اینها حتما از دوستان بزرگ کارمل هستند پس نرم تر میشود و میگوید: مگر این دولت نیست که حکومت نظامی برقرار کرده است. مگر هزاران نفر از برادران ما از ترکی و امین که با روسیها صمیمی بزرگ بودند کشتا رن کردند. مگر روستاها را بمباران نکردند. بلکه ملاحی ما آدم های خوبی هستند که با اینها میگردند و آنها جمع خواهیم شد!!

در مقابل کمونیستهای افغانستان به توده های زحمتکش میگویند: رویزیونیستها نمیتوانند برای ما سوسیالیسم با رفقا ن بیاورند. رویزیونیستها با استکبار به حمایت شوری و بدستوران دستگا دولتی را قیام کرده اند و تا در به تغییر انقلابی روابط موجود هستند نه بفرمان آنها بفرمان ما با روسیها هستند. بگردنیروهای کمونیست و انقلابی جمع شوید تا با حرکت متحد و مشکل و آگاهانه خود طوما رژیم ضد خلقی کنوسی را درهم پیچیده و مخالفین مرتجعش را سرکوب نمائیم و قدرت خلق را به رهبری طبقه کارگر برقرار سازیم.

کمونیستها به توده ها میگویند: از زیر پرچم فتوادیها و ملامت با زیر پرچم کمونیستها بیا نید و صفوف انقلاب را فشرده تر سازید و با قدرت خلافت خویش ما شین دولتی را درهم بکوبید.

راه کارگر میگوید: از زیر پرچم فتوادیها نیروی ضد و زیر پرچم رویزیونیستها برود و ما شین دولتی را حفظ کنید تا انقلابستان بر روی شما

# بوسیله کارگران و زحمتکشان امکانپذیر است!

دفاع روی رولتسی ان مارکسیسم

اما در مقامان و کارگزاران آگاه افغانستان به رفقای ما خواهیم گفت: ما این روی رویستنی را قبلاً دیده ایم و بخوبی می‌شناسیم. آنها سیاست‌ها نشان را در زمان پانزدهم و دوازدهم تجربه کرده‌اند. اینها بودند که ظاهر شاه، جلاد را "مترقی" و دوازدهم را "سوسیالیست" می‌خواندند. آنهم هنگامی که هر دو این خائنین بقتل و غم ما کمر همت بسته بودند. اینها دستشان بخون ما آلوده است و شریک جرم جنایات داو دهستانند. شما جوان‌های خیرخواهی هستید اما این کافی نیست، باید به واقعیت‌ها تیزتر نگاه داشت. آیا اگر حزب توده در ایران کودتا کند شما از آن دفاع خواهید کرد، و برآستی که این کوره راه را هر چه جلوتر می‌رویم بیجا پیچ‌نبرد میشود و کجی‌های آن انتهای بی‌نهایت را به راه کارگر حزب توده زاید می‌سازد. ضد خلقی ارزیابی مبتنی بر آن را جزئی میدانند که جرم‌ها مله و بند بسیاری سیاسی برای رسیدن به قدرت تا کتیک دیگری نمیشناسند و این البته سخنی بی‌هوده نیست. حزب توده که دشمن آگاه کمونیست‌هاست و هر که را بفکر استقلال آید شولوتیک - سیاسی و سازمانی پروولتا ریا با شجیب افراطی اغلاک‌گروها و انقلاب می‌خواند. حزب توده‌ای که دست در دست مرتجعین دارد و بیشتر از رژیم شوق سرکوب کمونیست‌ها را در سر می‌پرورد اما از حمایت یک نیروی مارکسیستی به صفتی جز این نمیتواند منتصف گردد؛ اما آنچه باقی می‌ماند اینست که چگونه حزب برادران خائنین که ما آنها نیستیم سیاست‌های مشابه آن را در افغانستان پیش می‌برد. حزبی که همکارانش با ارتجاع و محافظان آن بر هر شخصی مطلع از اوضاع افغانستان روئین و آشکار است و بلاخره حزبی که سیاسی را که در ایران حزب توده روئین است را در سر می‌پرورد در افغانستان به عمل در آورده است؛ میتوانست مترقی و خلقی باشد، علاوه بر اوضاع مله این سوال پیش می‌آید: مگر حزب توده مورد تأکید ما "اردوگاه سوسیالیستی" شما نیست، مگر این چیز است سیاست‌های برادر بزرگ را پیش نمی‌برد پس چگونه است که "اردوگاه سوسیالیسم" در ایران از ضد خلق حمایت میکند، چگونه است که مشتکی روی رویست در افغانستان دست به انقلابی خلقی می‌زنند و "اردوگاه سوسیالیسم" بکمک آنان می‌رود و مشتکی دیگر که سیاست‌ها و تاکتیک‌های کاملاً مشابهی با اولی‌ها دارد در ایران ضد خلقی هستند و با از حمایت "اردوگاه سوسیالیسم" برخوردارند. این چگونه اردوگاه متناقضی است که از خلق و ضد خلق در آن جای دارد و از هر دو حمایت میکند.

تا زمانی که رفقای راه کارگر درستی را که از فاصله دورتری سوسیالیسم "ضریح مقدس" واحد را ز کرده اند پیش کشند و در دنیا بندگی امروزه کمونیسم بدون قیله‌گاه به پیش میتا زدفا در بزرگ و رفع تناقضات خویش نخواهند بود با میتا نروند.

"ادامه دارد"

توضیحات

- لازم به تذکر است که تعدادی از گروه‌های مارکسیستی در افغانستان بورژوازی و روی رویستیم به جهانی در غلطیده و در صف واحدی همراه با فئودالها و مرتجعین جنگ با حکومت مشغولند.
- بدین ترتیب اینان عملاً در خدمت مرتجعین و امپریالیست آمریکا قرار می‌گیرند، اما خطر در غلطیدن بورژوازی خطرناک به جهان بهیچ وجه نمیتواند مانع از بررسی دقیق و علمی و مشخص مبارزه طبقاتی در افغانستان گردد و برهیز از خطر روی رویستیم نمی‌توانست در خدمت تطهیر روی رویستیم دیگری قرار گیرد.
- - رجوع شونده نطق بزرگ کارمل از اردوگاه بل که توسط دانشجویان هوادار سازمان پیکار در کنایه بنام در افغانستان چه می‌گذرد تکثیر شده است.

انقلابی داخلی را تحت عنوان آن سرکوب کرد، و دو مرحله‌ای گسست در انتخابات و سرانجام کشتار رهبران خلق ترکمن (توماج، محتوم، واحسندی، جرجانی...) پس هیأت حاکمه فشرده شده را از انقلابیون، از کودتاها به درجه بالایی آشکارا خسته است. نیروهای انقلابی و مخصوص کمونیست‌ها که وظیفه‌شان همیشه و همیشه دفاع از دموکراسی حقیقی و منافع کارگران و دهقانان است نتوانید به مجلس راه پیدا کنید. برابری این اتفاق بنا فکشی و تقاضای درونی مجلس به انشای هر چه بیشتر حکومت تباری می‌رساند.

جمهوری اسلامی نمیتواند، با پای گذاشتن روی ختی قانون اساسی ضد انقلابی خود، که به حد کافی جای تسخیر و تفسیر را باز گذاشته است، مستقر شود. پس اینکار را میکند. در حقیقت از لحاظ ماهیت نقاب‌پوشی میان کشتار خلق ترکمن، نفیوت نیروهای نظامی در کردستان و محاصره بعضی از شهرهای کردستان، و دو مرحله‌ای کردن انتخابات و فشار روتور علیه انقلابیون و وجود ندارد. بر رویه تکوین جمهوری اسلامی از این راه می‌گذرد. پس از آن که جمهوری مستقر گردید بقول هیتلر "کسی را جع به همه" این چیزها از آنها ستوالی نخواهد کرد. زیرا آنها فاتحان هستند. "فردگی ضد انقلاب را بسا تخفیف یا قتل" افشاگری جناح‌های هیأت حاکمه نسبت به هم، و اتحاد آستان علیه نیروهای انقلابی و توده‌های مردم بخوبی میتواند تقویت‌یافته کرد. پس از کشتار رهبران خلق ترکمن محرا، که بر همه کس مسلم و روشن بود این اقدام از ناحیه با ساداران جمهوری اسلامی سرزده است. هیأت حاکمه وانمود میکند که از اعلامی از آن ندارد، و بعد اعلام میکند که بدست یک گروه چوبکی این کار انجام شده است. این حرفی است که از زبانی صدر ابوشیرین است. با ساداران گرفته تا روزنامه جمهوری اسلامی آنرا می‌کنند، همه یک حرف می‌زنند، همه با هم دروغ می‌گویند، و قضیه کاملاً روشن است: هیأت حاکمه تصمیم گرفته، کشتار روتور را مخفیانه انجام دهد. و از آنجا که توده‌ها حکومت را زیر سؤال می‌کنند، اظهار بی‌اطلاعی کند.

از طرف دیگر وانمود کردن اینکه دولت مخالف جمله به نظر هرات است در حالیکه هیأت حاکمه در سازماندهی مزدوران و وابشانش "حزب الله" نقش اصلی را دارد و بعضی از اعضای آن از قبیل غفاری، و کئی علیا از چنین خنثی‌سازی حمایت میکنند، هم جزئی از توطئه و تصمیم عمومی است. انقلاب فشرده شده جهت جلوگیری از انقلابیون می‌باشد در همین شرایط توده‌هاست.

این است آنچه واقع یکما اخیراً با کشتار روحشانه رهبران خلق ترکمن به نقطه غطف میرسد به ما می‌آموزد: هیأت حاکمه از سوسیالیست کوشش میکند مجلسی مطیع و مطمن برای جمهوری اسلامی داشته باشد و از طرف دیگر آنچه را پس از استقرار این مجلس به عمل در خواهد آورد از هم اکنون به نمایش گذاشته: سرکوبی کارگران، دهقانان و زحمتکشان ایران! و برای اینکار از هم اکنون زبان‌هایی را که ممکن است در مجلس بر علیه آنان و در جهت دفاع از خلق به سخن درآید، می‌خواهد بسوزاند.

\* "بهشت موعود" جمهوری اسلامی بدین گونه پایه‌گذاری میشود: بهشت سرمایه! بهشت سرمایه داری و بسته به امپریالیسم از این پس طبقات انقلابی یکدوره متلاطم مبارزه را از سر گرفته اند، پیش از پیش با آنچه که باید با بدینا بود شود، آشنا میگردند. استقرار جمهوری آغاز تا بودی آنست. استقرار آن آغاز از بهنجار آن به توده و در نتیجه تهاجم توده‌ها به آنست. با سادار، کمیتم، ارتش، همه و همه در یک مقوله: جمهوری اسلامی متمرکز میگردد که بر فراز آن بورژوازی و متحدش خرده بورژوازی مرفه مرتجع قرار دارند. پروولتا ریا بخوبی بینی میبرد که چگونه انقلاب به ضد انقلاب، تبدیل شده است و چگونه وظایف او سنگین تر، سخت تر و جدی تر با بدنیال شوند. درمی‌یابد که خلق بدین رهبری او تنها دشمنان خود را بر مسند قدرت می‌رساند، و درمی‌یابد که هر طره‌خونی که امروز جمهوری اسلامی از پیکر خلق‌ها بر زمین می‌ریزد، فردا با چنگ او، و با نیروی متحدانش دهقانان و زحمتکشان ایران، به نیروی بر علیه آن تبدیل خواهد شد.

خلق ایران، و تاریخ، از هم اکنون این جلادان را چنان به چهار رنج محاکمه کشیده است که دیگر دعای همه آخوندها و ایت الله‌ها سرمایه‌گذاری همه امپریالیست‌ها و دروغ‌های بی‌شرمانه همه بنی‌عذرهای آنها را نجات نخواهد داد.

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان، نظام پوسیده



با ضرورت تمام، با هر کشتار روحشانه خلق ترکمن محرابندست "بایداران جمهوری اسلامی ایران" بود. هیأت حاکمه، و در رأس آن رئیس جمهورینی، مدیریتاً مراعات تمام اعلام کرده که کشتار خواهد کرد و بدهد و غده خود درها نیست فرودش و یا کردند. دهقانان و رحمتکشان ترکمن محرابندست پیش با تشکیل شورا های انقلابی و مساعده، از ارضی ملائین و زمینداران بزرگ به شیوه انقلابی آنچه را که سرمایه داران و مرتجعین حاکم و غده اش را میدادند، عطف نمودند. هیأت حاکمه کوشش ستاری میگرد و میکنند تا اینک کشتار را از دست ندهد. هر جا که کند، زنی هر گاه نوده ها به توسط شورا های انقلابی خواهد داد. ۱۰ مورخین را بدست بگیرند و رئیس نا توش مرکز حکومت نواختن شده است. دهقانان ترکمن محرابندست نودا اینکا را انجام داده بودند. زمینداران بزرگ که جنگاکی در میان هیأت حاکمه سرمایه داران و روحانیونی که غرضشان اعلیای رای زمینهای وسیعی هستند، حامیان مستحکمی داشتند، نمیتوانستند از طریق این قدرت سیاسی به وضعیت اقتصاد خود سرور سامان بدهند. عبارات دیگر زمینهای مصادره شده را دوباره آورده اند. این پس بگیرند دست نگازند، اما اقتصاد سیاسی مسئله از این هم حاسن تر بود. در آنجا نوده ها مستقیماً در سر نوشت خویش دخالت کرده و جلوه حکومت اینستادند. نوده های که با اقتدار مستقیم بر علیه دولت موقت قدرت دست آورده، نوده، برای هیأت حاکمه از هر چیزی بگریزید و کنترل خود میگردند، هیأت حاکمه، در تیرا بر خلق ترکمن قرار گرفت.

- ۱- خراج کردن کنترل حقیقی
- ۲- نودا آوردن خلق ترکمن
- ۳- از آنجا که نوده های دهقانی به هیچ وجه بازگشت به سابق را نمی پذیرفتند، ارائه زرفرماسیون صدا انقلابی در سر ازماده انقلابی ارضی چیزی که علیانی این جنرال رژیم جمهوری اسلامی وظیفه اجبرای

آنهارا بعهده گرفت تا شاید زمینها آن (در پناه زرفرماسیون انقلابی) چهره گزیه و بخون آغشته شود را بنشان کند. بدین ترتیب و با اهداف سیاسی مشخص فوق جنگی نامساوی و مستگراته از ناحیه دولت اسلامی بوجود آمد. گنبدیه توب بست شد و نیروهای نظامی رژیم بی دریغ تاراج، خمپاره و فشنگ خود را همچون "باران رحمت" جمهوری اسلامی به روی خلق ترکمن باریدند. مدها تن از فرزندان دلیر خلق ترکمن شهید یا زخمی شدند، مردم ترکمن از

## اول کشتار، بعد

# هیأت حسن نیت!

شهرها گریختند و روستاها بنیگاه بردند، شهروندی و برانه ای تبدیل شد و پس از این کشتار و حشانه دهها تن از فرزندان دلیر خلق ترکمن که از رهبران دهقانان و رحمتکشان ترکمن محرابندست های جناح کشتار با ساداران جمهوری اسلامی گرفتار شدند، خلقالی بلافاصله وارد گنبدت (اوازراسم ۲۲ بهمن در رهبران سوه گنبد پروا کرد) و اعلام نمود: من برای کشتار به گنبدت آمده ام (خواب میداند که نوده ها چه تصویری از او در ذهن خود دارند: یک خلد) او اعلام کرده که تمام زمینها را مصادره خواهد کرد (همان زمینهایی را که قبلاً دهقانان مصادره کرده بودند) و تقسیم خواهد نمود، او با یک طلمبه رفرمهای صدا انقلابی با خیال خام فریب نوده ها به آن جا وارد شد، این رفرمها را هیأت حاکمه در جهت توقف و جلوگیری از بسط مبارزه پیش گرفته است و در مقابل حرکت و عمل مستقیم نوده ها و نیروهای انقلابی قرار میدهند که گامهایشان تشدید و تقویت انقلاب میباشد.

۱- مادست جمهوری اسلامی می نیست یکبار دیگر تا به آخر از آستین بدریاید. حکومت که اینک در رأس خود شادی به تمام معنی یعنی بنی صدر را دارد از سیاست سرور مخفیانه سر در مورد این خلق کوچک که نیرویی عظیم از نفرت و کینه نسبت

به زمینداران و سرمایه داران را در برودند و به نیتش گذاشته، اینک کشتار بگرد. چهار تن از رهبران خلق ترکمن را بطور وحشانه که بکشتار آورند و بگنبدت نام حکومت فاشیستی شاه بود، به شهادت رسانید. آنکسانه بیگونی جان این رفقا (توسنج، طواق واحدی، مختوم، خراجی) را در زیر پای در راه بختورد گنبدت ها کسر کردند و بعد شهادت ۸ تن دیگر از رهبران و رهبران ترکمن به همان طریق معلوم میگردد.

دستان جمهوری، دستان تفایند. گان حکومت عدل الهی، و همه هیئات حاکمه که بنی صدر را در رأس خود دارد، بی کم و کاست تا مرفق بخون خلق ترکمن آغشته شده است. اکنون دیگر هیچکس دستال خلقا نیستی، بایداران، کمنته ها، برای با فاسان در خیمان سرمایه نمیگردد، همه هیئات حاکمه با همه ارگانهای اینطور نوده ها دو عظیم یک خلق و جلدان رهبران آن طبق

به حساب می آیند. هیأت حاکمه بین از اینکه خوبها خانی شد و دیگر های دهقانان و رحمتکشان ترکمن با گلگولهای با ساداران گلگون کردند، "هیأت تحقیق و بررسی" علل وقایع را میفرستد. رئیس جمهور، این مرد مزدور و فریب کار که حشانه نگذاشت که یک هلنه بگردد و بنیگاه دندانهای تیر خود را نشان دهد، تخلیسی توهم و نا آگاهی یک خلق، این بار نیا فرستادن "هیأت تحقیق" و انشود میکنند که از اوضاع بی اطمینان و بدستال مسبین فاجعه است، اما این سیاست رانه خوبی بغا طرداریم، وقتی در مرداد سال دستور کشتار خلق کرده ما در کردید و وقتی نوده ها با چشمان خود به دلچگونه از کشتار هیئات حاکمه خون می جکد، طبیعی بود که چند ماه بعد برای نشان دادن حسن نیت خود (یا به عبارت دقیقتر "حسن کشتار") یک هیأت حسن نیت و مذاکره به کردستان فرستاده شود.

اول کشتار، بعد هیأت حسن نیت این است سیاست همه؛ دشمنان خلق، سیاسی که گمان میکنند باغ شهیدی یک خلق، او را ده انقلابی مساعزه رحمتکشان را میتوان در زیر کلتا ت بیج و عوا جفرینا بنیهای از خاطر هسانا زدود، مهرتفرین ابدی نوده ها نصیب جمهوری شده است.



# سرمایه داری وابسته را درهم خواهد کوبید!

صف اشاعه آگاهی های کمیونیستی، همواره فرصت را به سیاست های غیرپرولتری میسپارد و در حال حاضر که این معیی در طبقه کارگر اشاعه نمی یابد، خلا موجود را افکنار و اندیشه های خرده بورژوازی با ظاهر اسلامی و غیراسلامی پر کرده و با حسی دربارهای موارد بورژوازی لیبرال پتر میکند.

خرده بورژوازی علی القاعده توسط همین قشر بیروست که بنا شده های کارگرمیان داشته و آنها را به سمت خود میکشد، ما در هر کارخانه ای که جومذهبی حاکم است، نقش آریتا توره های مذهبی را میتوانیم پیدا کنیم، آنها با سیاست های غیر پرولتری تبلیغ و ترویج میکنند و مضمی لظا ثلاث به خورد کارگران داده و توده نا آگاه را جذب میکنند، اینها کسانی هستند که در دوران مبارزات قبل از قیام نقش مهمی داشته و در میان کارگران جای باز کرده اند، از همینجا بلافاصله نتیجه بگیریم که علیرغم سیاست های غیرپرولتری که سعی میکنند از آگاهی تریونیوی سوا استفاده کرده و آن را به یک بیماری تبدیل کنند، سیاست پرولتری ما رکیست لنینیستها باشد، این بیماری را علاج کند و آگاهی را در رنده نمکند جلوی رشد آنرا بگیرد و آن را در مجموع خیشی کرده و عینا آگاهی سوسیالیستی را در ذهن این تشریبار ور کند، برای آکونومیست ها با بدجا لیب خوجه باشد که سیاست های غیرپرولتری برای بیمار کردن ذهن کارگران بشود فقط نه مسائل روزمره و اقتصادی طبقه کارگر نمیبرد، و اینکه سعی میکنند طبقه کارگر را در ما بر موع عمیام اجناسی هم بدنیال خویش بکشند، مثلا دیموردرستان سعی میکنند به آنها القاء کنند که اینها مضمی خاشن، مضمی تجزیه طلب و مضمی کثافت اندک، مضمی میجوانند حکومت اسلامی را سرنگ کنند، از یکسو آگاهی های سوسیالیستی را زیر ضربه میگیرند و از یکسو آگاهی دیموکراتیک را، آنها هم بطوریکه در رابطه با مسائل خاص طبقه کارگری میکنند، طریق فریب خدع و سرکوب استفاده کنند، در رابطه این طبقه با سایر نیروهای تحت ستم سعی میکنند روابط تگری حقیقی را قطع کنند و نگارند ارتباط صحیح برقرار نشده و در عوض ذهن او را با تبلیغات وسیع فریبکارانه محدود میکنند.

درواقع، در اینجا به یک فرسول اناسی میرسیم، مبارزه با طراشاعه آگاهی های کمیونیستی در حقیقت مبارزه با همسایه گرایان و ایفود و سلطه سیاست های غیر

پرولتری و غیردیموکراتیک است، یعنی ما نمیتوانیم با سیاست های دیموکراتیک مبارزه نکنیم، سیاست های دیموکراتیک مبارزه نکنیم ولی مدعی باشیم که آگاهی سوسیالیستی دارد نشر پیدا میکند!!

در هر حال، نشریه کارخانه ای، در شرایط حاضر، نمیتواند این مسائل را در نظر بگیرد.

بنابر این مسائل بالا، نشریه کارخانه به مسائل خاص کارخانه، افشاکری های محلی، اشکات صحیح جریان داخل کارخانه، رهنمود به کارگران در مبارزه داخلی کارخانه و... میبازد.

در سرخوردی که ما با پیش از ۲۰ نشریه کارخانه بی کردیم عمدتاً این رهنمود را اجرا نکرده و خود را در دایره تنگ مسائل کارخانه، تهم در شرایطی که بحران انقلابی وجود دارد، محصور کرده اند، ما در آینده سعی میکنیم در بخش کارگری نشریه، بطور مشخص با نشریات کارخانه ای برخورد کنیم.

در انتشار نشریه ای برای کارگران بشود و کارخانه ای (که خصوصیات آنها را ذکر کردیم) نباید مطالب نشریه را تا سطح نا آگاه ترین کارگران یا تیسین بیاوریم، این چنین نشریه های تیسین منتشر کردن در حقیقت "اب درهنا و ن کوپیدن است"، شاید پرسیده شود که پس کارگران نا آگاه چه میشوند؟ ما رکیست لنینیستها، قاعداً، ابتدا سراغ بشو و تریین کارگران رفته و نیروهای خود را برای بسیج و ارتقا آنها متمرکز میکنند، شاید اگر این فشار کارگران توسط دهها نشریه کارخانه ای تغذیه شدند، بتوان برای آن دسته از کارگران نشریه های سندیکا بی تهیه کرد، ما واقعیتی که در حال حاضر حشش کموس نیستی دارد، ما در خطاب بیان دستنه از کارگران، از علامه ها و تراکت های فابریکی استفاده میکنیم.

نشریه کارخانه ای را چه کنای و چگونه باید منتشر کنند؟

کارانتشار نشریه کارخانه، از وظایف هسته های سیاسی کارگری کارخانه است، خبرنگاران این نشریه در واقع از بشو و تریین کارگران کارخانه اند، نشریه کارخانه ایی بشکلی که ملامحی و با موافقت کامل هسته وجودی آید و نقش سازمان گیری مهمی بعهده دارد، هسته تجزیه بین نشریه لازم نیست که همه از اعضای هسته باشند بلکه هسته باید مقدمات آنرا فراهم کرده و با یک یا چند عضو و شرکت بشو و تریین کارگران که خود کارند ای شرکت در هسته ها هستند ایجاد شود.

هسته یا بدی برای ایجاد نشریه کارخانه ای نیاز دارد، لازم را بشو و تریین و اجازه بدهد اینکار بطور خود بخودی انجام گیرد.

این نشریه میتواند کارگرمیان بشو و تریین را که هنوز به حد عضویت در هسته نرسیده اند بدور خود جمع کرده و سازمان دهد.

این نشریه باید طوری سازمان دهدی شود که با بسیج همه نیروها بتواند همه جای کارخانه خیرداشته از سو رفتن از به بران و سربزستان کارخانه گرفته تا اختلال و دزدی ها و سو استفاده های مدیران و صاحبان کارخانه ها را افشا کند، ارتباط با کارمندان مترقی که ما ضربه افشای سوا استفاده ها هستند، ارتباط با قسمت های مختلف کارخانه، سیاسی در ددل کارگران نخستین و از مسائل آنها آگاه شدن و... از کارهایی است که ما به خبرنگاران و خبرگرمیان نشریه انجام دهند.

در باره مسائل عمومی سیاسی، هیئت تحریریه باید در نظر داشته باشد که دست به دوباره کاری نبرد، مسائل عمومی سیاسی باید تا حدی که همگان مطالبی باشند که در ارگان مرکزی گروه یا سازمان که هسته آن وابسته است نوشته شده است، وظیفه هسته این نیست که در مورد مسائل عمومی سیاسی بخود خود میوضع گیری کند، این موضوع باید از ارگان مرکزی تأمین شود.

بعضی از رفقا انتشار نشریه های کارخانه را کار ساده ای تلقی کرده و بدون داشتن یک مضمی روشن و برنا شده دقیق بشو و تریین در بر کردن مشخصات دارند، نشریه کارخانه ایی جنابا باید خط مشی و چهار چوب مشخصی را کسب از کارهای مرکزی تعیین میکنند، دارا باشد، با حفظ این چهار چوب، نشریات کارخانه ای از همکاری سایر نیروهای مترقی، اعم از مذهبی و غیر مذهبی که حاضر باشند در این چهار چوب همکاری کنند، استقبال خواهد کرد، این به معنی محدود کردن مرزها و اختلافات نیست، متفلاً هسته سیاسی کارخانه نمیتواند بشو و تریین مترقی جریان های دیگر بطور مشروط همکاری کند، یکی دیگر از مسائل که در انتشار نشریه باید مورد توجه قرار گیرد، رعایت جوانب امنیتی مسأله است، نشریه هرگز نباید بصورت دمی در آید که نیروهای مترقی را به دامان ارتجاع بیندازد، تدارک فنی نشریه از کارهای دیگری است که هسته باید انجام دهد، تدارکات فنی بستگی به امکانات و موقعیت دارد، نشریه بصورت حسی

# تکرار فاجعه بندر انزلی در قائم شهر

به دعوت سازمان مجاهدین خلق ایران (شاخه مازندران) قرار بود در قائم شهر روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۲ یک راهپیمایی بر علیه امپریالیسم و ارتجاع صورت بگیرد. این راهپیمایی از سوی مقامات دادگاه های انقلاب اسلامی قائم شهر بعلت "تهدید امپریالیستی - عداوتی" ممنوع بود.

تیراندازی هوایی میکنند. این جوانان مجزوب همایون را در میدان شهبان و شب هنگام یکی از روحانیون بهمراه یک نفر دیگر به محل آمدند و به مجاهدین خلق اطمینان دادند که دیگر کسی بسمتاد حمل نخواهد کرد. مجاهدین خبر تضمین را با بلندگو پخش کردند. از مردم خواستند که بختها بشان بروند.

مردم در آن روز عداوت سازمان مجاهدین خلق جمع میشوند. مجاهدین اطمینان میدهند که با فرمانداران مذاکره کرده اند و با او توافق داده است که در عرض یک هفته روزها عتبات بزرگ جشن ملی مجاهدین تخلیه شود. اما مرتجعین دست بگردان نیستند. اینان که پشتبان به پاسداران گرم است و خوب میداندند که هیأت حاکمه نیز از آنها پشتیبانی میکنند و باز به پاس بی شرمی و گستاخی به ساختمان مجاهدین حمله میکنند. آنها شیشه ها را شکسته و لوازم درون ساختمان را به

## اخبار جنبش

آن تحریم و ممنوع اعلام شده بود. صبح روز پنجشنبه زیا فیکه راهپیمایان در مکان مقرر (قائم شهر - خیابان سازی - چهارراه ترک محله) جمع شده بودند. گردانندگان راهپیمایی اعلام کردند که چون عده ای جمافدا در مسجد صوری جمع شده اند و میخواهند بسمت راهپیمایان حمله کنند ما از آنجا کنه خواهیم درگیری نیستیم راهپیمایی را به مسئولین تبدیل میکنیم. جمعیت بین آمدنی شعار دادند. پس از آنکه قطعاً همه خواهند متفرق شدند. اما جمافداران مرتجع که از استیغاب اردلانی (رئیس آموزش و پرورش شهر) و برای هم زاده (رئیس مرتجع دبیرستان سعید محسن) که ما هیئت و سابقه کشیشان برهنگان روشن است بسخن بده بودند چون در اینجا به مقصود بنیادشان نمیرسند به سوی مقر مجاهدین حرکت کرده و در آنجا اجتماع میکنند مردم نیز با شنیدن این خبر به سوی ستاد مجاهدین حرکت میکنند. در مقابل ستاد مجاهدین مرتجعین شعارها میمانند "ستاد ارتجاعی تخلیه یا بدرگردد" "مرگ بر منافقین" و "حزب فقط حزب الله" و غیره میدادند.

عده ای از مردم خیال اینکه مسئولین شما شده است بخانه های خود رفتند اما پس از رفتن آنها حزب الهی ها دوباره جمع شدند و شروع به شعار دادن کردند و در وسط خیابان لاستیک ها را با تیش کشیدند. خود ساعت ۸ شب حزب الهی ها به مقر جنبش معلمین مسلمان با سنگ حمله کردند و با آنرا که خود سردسته حزب الهی ها بودند ساختمان را اشغال کردند. مردم که از این عمل پاسداران خمگین شده بودند مقابل ساختمان جنبش معلمین مسلمان جمع شدند و خواستار خروج پاسداران از ساختمان شدند. این هنگام یکی از پاسداران سنام "ارسلان" را لالی ساختمان پاسداران با شین می آید و با زشتی قلدرانه جلوی مردم می ایستد. واقعا که دردناک است مردمی که بر علیه

بیرون برتاب میکنند و خلاصه از هیچ خوابکاری دریغ نمیورند. مردم که از این عمل مرتجعین فوق العاده خمگین شده بودند بسمت فرمانداران مراجعه میکنند. فرماندار از مردم میخواهد که در مقابل این عمل خائفا نه سکوت کنند تا برای در کشی راه نیفتد و توطئه گران سوء استفاده نکنند!! ما فلان از اینکه مردم خوب میدانند که توطئه گران همی مرتجعین هستند که از آنها میسرند. مردم که از این عمل و خشیانه مرتجعین و جابلوسی فرماندار به چشم آمده بودند در طرف ساختمان فشرده تر شده و به حزب الهی ها و پاسداران، این عمل و آکره ارتجاع اعتراض میکنند. پاسداران که از قبل خود را آماده کرده و در بالای ساختمان و سرخیان چند سنگ درست کرده بودند ناگهان با سنگ

### پاسداران جمهوری اسلامی مردم بی سلاح قائم شهر را بگلوله بستند

روزم شاهان تا به جنگیده اند تا صبح مبارزه شان رژیم است که اینجانبه را بدست گستاخی داده که فقط از آن ستر علیه مردم استفاده میکنند. مردم که ارسلان را خوب می شناختند و میدانستند که او همیشه و همه جا در موقع خشک چهره در موقعی که فوتبال بازی میکنند وجه در مواقع معمولی کلت خود را همراه دارد فریاد میزند که "اسلح است" مواظب باشید. و طرف او حمله میکنند در این موقع ارسلان کلت را از کمربتن در آورده و ۷-۶ تیر بطرف مردم شلیک میکند و چند نفر را زخمی میکند و پاسداران او با اسلحه ارتجاع بگلوله می آید. ساعت ۱۱ شب معلمین مسلمان طی اطلاعیه ای اعلام میدارند که جانشان در خطر است و از مردم میخواهند که بیای آنجا بشتابند و با این ترتیب بحث و درگیری بین طرفین تا صبح ادامه می یابد. فردای همان روز جمعه سوم سفند

مردم حمله کرده و با برتاب سنگ بسمت طرف مردم در عرض مدت کوتاهی تعداد زیادی را زخمی میکنند و سپس اقدام به تیراندازی هوایی میمانند و برای متفرق کردن مردم از گاز اشک آور استفاده میکنند. آنها برای حمایت از جمافداران مرتجع از هیچ کوششی فروگذار نمیکنند لیکن وقتی ایستادگی و خشم مردم را می بینند با میدهند و دست به تیراندازی بسوی مردم میزنند. ابتدا یک نفر زخمی میشود که باز زخمی شدن او مردم بسیار خمگین میشوند. در حالیکه شعار پاسداران را می شنیدند سرما به دارو "مرگ بر ارتجاع" میدادند بسوی پاسداران حمله کرده و یک نفری از دانشمندان پاسداران را که وحشیانه شلیک میکردند آتش میکنند. تا ساعت یازده حدود ۱۵ نفر بوسیله گلوله زخمی شدند. مردم بی سلاح در شب پرورش معمولی پاسداران بسمت بیمارستان شیرو خورشید پناه میزدند. زخمی ها دسته دسته داخل حینسبیل میشدند. و بر اثر تعدد از زخمی ها

## مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع

که لازم است به کارشان میگردانند. انتخابات، نظایر آن، اعتراضات و... در روزهای انتخابات مجلس خبرگان، و جلا در روزهای انتخابات مجلس شورا، بزنا مه آنها زوشن است. بهر قیمت جلو انقلابیون را بگیرند تا حرف آنها بگوش مردم نرسد. جلو میسرند. را بگیرند تا به انقلابیون نپیوندند. این حزب از منافع چه کسانی حمایت میکند و میکند؟

آیت الله رفسنجانی میگوید: حمله کنندگان به نظام استبداد و راه پیمایی‌ها شامل آمریکا هستند. اگر چه روز بعد حرفش را پس گرفت و همچنین بنی صدر میگوید: ... آنها خدا انقلابند. اما "صد انقلابی" و "غافل آمریکا" کلماتی نیستند که نشان دهند این حزب از منافع چه کسانی حمایت میکند؟

این حزب قبیل از قیام در واقع نماینده رهبری جنبش بوده مستقیماً از طریق و شیوه خاص خود که بسیجنا ر شنبه شیوه فالانویست‌های اسپانیای این اس‌های آلمانی و پیراهن سنا هان ایتالیا در زمان موسولینی بود. جلو انقلابیون و شعارهای آنها را از نفوذ در میان مردم میگردانند. و بعد از قیام به مزدوران غیر مستقیم هیأت حاکمه تبدیل شد. کمیته هیئت‌ها و پیاستاداران غیر مستقیم و مستقیم را آنها حمایت کردند. بسیاری از کسانی که در میان بالانویها که نام اعضای حزب الله میباشند، مورد شناسایی و اقصاع گردیدند، از اعضای کمیته‌ها و پیاستاداران افراد و سنا حدوا طرفیان امثال هسادی معاری هستند. حکومت همیشه، و همه وقت بطور غیر مستقیم از جمله این عسده، مشخص و معلوم الحال دفاع کرده است. زیرا همیشه در داد و ستد و تلویر... روز و ربا مه‌های دولتی حمله این افراد طوری توضیح داده شده که گویسنا عده ای از مردم بوده اند. یعنی گویسنا حق با آنها بوده است. حزب الله که در حقیقت حزب غیر رسمی و نامشخص سرمایه داران و مرتجعین است. انجمن مزدوران دولتی!

و حالا مردم به ماهیت این مدعیان ضد انقلابی، انقلاب، این مزدوران صاحب ایدئولوژی، این لنین‌های جزبی، این جمعیت ۱۵ دسایر بدون ناپلئون، پی می برند اکنون دیگر دست آنها در زندگی عینی و روزمره کارگران، دهقانان و زحمتکشان خوانده شده است. "جوب بدستان" رژیم جمهوری اسلامی، حماق داران "حزب الله" شناخته شده و ما هیئت‌ها نرهنگان معلوم گردیده است. برای این حکومت سعی میکند گویسنا ما اعلایان مخالفیم. ما اعلایان آنها کاری نداریم. اینها خدا انقلابی و ما

انقلابی هستیم. با این حال غافلان آمریکا که به راه پیمایی ما حملت می کنند ما که شون.

ما همه میدانند که آمریکا دور نیست. آمریکا همین جا در سرمایه داران و مرتجعین خوابیده است دیگر نمیتوان توجه مردم را برای بسند کردن "صد انقلاب" به پشت مرزها به قاره دور دست سوق داد. ماهیت "حزب الله" کمیته‌ها، پاسداران، ارتش و... بر طبق ایران روشن میگردد و آنها تدریجاً به زیر سوال مردم میروند. وقایع پراکنده ر ذهن توده‌ها به هم مربوط میشوند. ر اینبار اگر آخرین رسول دنیا هم ظهور کند، هیأت حاکمه را نجسنا نخواهد داد!

شماره ۱۱

قائم شهر

کمبودها، دارو، بیچی و... برای دکترها محسوس بود. یکی از مجروحان در حالی که خون ارتش فواره میزد شفا میداد:

"مرگ بر پاسدار، مرگ بر ارتجاع مرگ بر آمریکا!"

پاسداران در داخل بیمارستان هم تیراندازی میکردند و برای خارج کردن مردم از آنجا به گاز اشک آور متوسل شدند.

بعد از ظهر حدود ساعت ۳ مرتجعین بیمارستان راه تاخت اختیار نخسود گرفتند و نیروهای مرفقی پراکنسده شدند.

به این ترتیب طوماری از جنایت، بشرمی و اعمال ضد خلقی بزطومناز بلند هیأت حاکمه و نیروهای مسلحش پاسداران افزوده شد.

صبح شنبه ۵۸/۱۲/۴ تمام نیروهای انقلابی جلوی بیمارستان ولی غصه جهت تشییع جنازه یک از معلمین اجتماع کردند و در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر تها بنده مجاهدین باغلت توافقی که سازمان مجاهدین سنا مقامات مسئول صورت داده بود، از مردم خواست که آرامش را حفظ کرده و به خانه‌های خود بروند. مردم تنها در این زمان متفرق شدند.

جریان اخیر در قائم شهر بخوبی نشان داده است که توده‌های مردم بیرون خلافت آنچه که حکومت وانمود میکند، به سادگی گذشته بدنیا ل آنان سنا نخواهند افتاد. مردم قائم شهر با حمایت از نیروهای مرفقی و مبارزین نیروهای دولتی و با شعار "پاسدار، پاسدار، حامی سرمایه دار" موضعگیری خود را در مقابل حکومتی که تمام کوشش تحکیم سرمایه داری وابسته به مبارزین است روشن ساختند.

هر روز، هر لحظه، با تشدید تبلیغات رژیم علیه انقلابیون و با توسل هیأت حاکمه به قهرمیان و آشکننا

توده‌ها بیشتر به ماهیت ضد خلقی آن پی می برند. در ارتقا آگاهی توده‌ها در شکل مبارزات آنها فعالانه بکوشیم.



شماره ۲

خرده بورژوازی و انقلاب

تند یک توده، و از سوی دیگر... بورژوازی وصل است. هم متا... ارتقا اولی است، هم با خصوصیات دومی را بر خود حمل میکند. با شسوی و انتظار آرزوی صعود از زیردستان بورژوازی را دارد، و با نفرت و دشمنی از به برتگاه پرولتاریا در برپای خود میگردد. در تلاش برش بسمت بورژوازی است، در حالیکه برپایش لبر سس بسوی پرولتاریا می باشد. ارتسرس سقوط بدامن پرولتاریا، آسنا بسوس بورژوازی میگردد، و دیگر برپا زوروستم بورژوازی به پرولتاریا اتکاء میجوید، با انتقادات پرولتاریا بورژوازی را زیر پا رحله قرار میدهد، و با توسل به هجویات بورژوازی باحت پرولتاریا را آلوده میسازد، بدینگونه است که اوتنا قض محسما میسر به داری بشما میسرود.

خرده بورژوازی مالک و سنا تولید خود و ما حب اختیار کار خودیست است. با استناد از کار شخصی بطور عمده، و احیاناً تانی چندتا گردکنسنت و کارش را میگرداند. با درآمد متوسط خود دست به آستان بورژوازی می‌بندد، و در برابر پرولتاریا بخر میفروشد. آن گروه از خرده بورژوازی نیز که تعلقنی مادی نسبت به وسایل تولید با توریع ندارد، و بر اساس تفاوت بین او بسنا بورژوازی و پرولتاریا در تار سنا اجتماع کار و سپس نحوه جنگ آوردن محمول اجتماعی طبقه بندی میشود، بهما نمونه در منگنه تناقض بورژوازی و پرولتاریا گرفتار است. و بنا بر این تناقض اساسی جامعه، در طبقه مشترکی با خرده بورژوازی اول سنا دارد، که در دوسوی این طیف، پرولتاریا و بورژوازی رودروی هم قرار دارند. "آدا ما دارد"

# اخبار جنبش ...

## «پارس مینو در تلاطم!»

هما نظور که میدانیم، از مقام باره‌ای از سرمایه‌داران با پول‌های فراوان، فرار کردند و گروهی دیگر که مانند خا می‌شدند سرمایه‌های خود را بکار انداختند و تازه در کنار کارخانه‌ها و راه‌اندازی آن توسط کارگران نیز کارکنانی‌های بسیاری کردند.

از جمله در کارخانه "گروه تولیدی پارس مینو، تهران" واقع در کیلو - متر ۸ جاده، مخصوص کرج، جنین و مینی کفیر ما بوده است.

از جندی قبل هیئت مدیره این کارخانه استعفا کرد و کارگران برای راه‌اندازی کارخانه خود اقدام به انتخاب هیئت مدیره جدید کردند. در این هیئت مدیره ۳ نفر کارگر و دو سرمایه‌دار را انتخاب شدند. اما اعضای سرمایه‌دار هیئت مدیره تمام در کنار اخلاص نگذاشتند.

کارگران با راه‌های ارگان‌های مختلف اعلام از سرمایه‌داران و دفتر آنها و دفتر ریاست جمهوری، برای حل مسئله کرده و هیچ نتیجه‌ای نگرفتند.

در این میان، شورای کارخانه بطلت نمود. عناصر غیر کارگری استعفا کرد و علی و جلیل خسروا‌هی که از این جریان یعنی اخلاص شورا مطلع شدند، در روز دوشنبه ۲۱ بهمن بکارخانه آمدند. کارگران تصمیم گرفتند که علی و جلیل خسروا‌هی را نگه دارند و پس از رسیدن به خواسته‌هایشان بگذارند. کارخانه خارج شوند یکی از خواسته‌های کارگران، ملی کردن این گروه تولیدی می‌باشد.

کارگران اعلام کرده‌اند که از روز دهر شخص مسلحی به کارخانه تلوگویی خواهد نمود. چنانکه از گروهی از سرمایه‌داران مسلح به کارخانه نیز تلوگویی کرده‌اند. در این مدت مسئولین وزارت کار و رئیس کارگرمی کارخانه از هیچ کوششی برای تفرقه‌اندازی بین کارگران این گروه نگذاشتند.

طبق آخرین خبر واصله، کارگران دو کورگان خود را آزاد کردند و کارفرما متور شده است کارخانه را به دولت سپارد.

## کارگران قدرت خود را نشان می‌دهند

کارخانه‌ناظمی که برای ارتش لباس تهیه میکند، دو ماه است در تلاطم است. کارگران در این مدت از راه‌های مختلف، از جمله تحمّن برای رسیدن به حقوق خود دست به مبارزه زده‌اند و جریان مبارزه خود را طی ۹ اطلاعیه بکوش‌سایرین رسانیده‌اند. کارگران متحد و مبارزان کارخانه را به آنجا رسانند که دولت مجبور شد تا نظر برای اداره امور به کارخانه بفرستد، ولی این ناظر هم، همانطور که انتظار می‌رود، فقط و فقط منافع کارفرما را دنبال می‌کند.

روز سه‌شنبه ۳۰ بهمن دو پیسر کارفرما بنا به‌های جمشید و سیدناظمی و مدیر دولتی و چند تن از عواملشان، ظاهراً برای رسیدگی به وضع کارگران و باز کردن درگا و صندوقی که احتمال میرفت اسناد مهمی در آن باشد، به کارخانه می‌آیند. درگا و صندوق را باز میکنند و در حضور کارگران و ناظر دولتی یکی را از ناظر کرده و بلافاصله پاره میکنند، وقتی کارگران به این کنار اعتراض میکنند، ناظر دولتی میگوید: «با اموال شخصی اش کاری نداریم».

پسران ناظمی چک را پاره کرده و کیفی را هم که درگا و صندوق بوده است بیرون می‌آورند و به قصد فرار سوار ماشین میشوند. چند تن از کارگران که دم در مشغول نگهبانی بودند، جلوی ماشین میخوابند و مانع از فرار آنها بوسیله ماشین میشوند. آنها از فرار ماشین بی‌پناه شده میخوابند و دیدن فرار کنندگان باز کارگران آنها را نگیرند.

یکی از عوامل او باش کارفرما برای کارگران قلمه می‌کند، در این میان کارگران چند کارخانه همچو راه‌هم‌بسته کمک برادران و خواهران خود به کارخانه



ناظمی می‌آیند. کارگران عواطف کارفرما را دستگیر کرده و به یک اهل سابق می‌برند و همراه با پسران کارفرما و ناظر دولتی همه را تکه تکه می‌کنند و تصمیم می‌گیرند تا رسیدن به خواسته‌هایشان مانع از خروج آنها شوند. کارگران حتی مانع از این میشوند که ناظر دولتی برای نجات سرما به داران با کمینسه تماس بگیرد. ولی کمینسه مطلع نشده و ساعت ۵ صبح ۱۱ اسفند، مغول وار از در و دیوار کارخانه هجوم می‌آورند و کارفرمایان و عواملشان را از چنگ کارگران خارج میکنند. در این میان درگیری بین اعضای کمیته و کارگران در میگیرند که منجر به زور خوردن می‌شود. در این میان پسران ناظمی نیز کشتک مغضبی نوش جان میکنند.

هست آخرت ما بنده، دولت ۱۴ روز از کارگران مهلت میخواستند تا به همه خواسته‌های آنها پاسخ گویند و کارگران اعلام میدارند که ما سرکار را نمی‌باز می‌گردیم و بعد از ۱۴ روز اگر کمیته خواسته‌هایمان را رسیدیم جشن می‌گیریم و اگر نرسیدیم، مبارزه‌ها ما را ادامه خواهد داشت!

## سرمایه‌دار تفرقه‌میان‌دازد!

کارگران مبارز شرکت "اس-بی" باتین بول "نیروگاه آتمی دارخوین" روز یکشنبه ۵۸/۱۱/۲۸ بعد از ماه مهسا مبارزه و تحمّن و راه بیمانی باز دیگر در استان‌های اهواز دست به تحمّن زدند.

کارگران مبارزان شرکت با راه‌ها چه بوسیله عوامل دولت مانند "مدنی" خاش و همچنین "قاسمی" معاون وی و "دهدشتی" مدیر عامل آب و برق خوزستان چه بوسیله نگهبانان جدید سرمایه‌داران چون "جنتی" "خاکم‌شیر" و "خزعلی" مدافع زمین‌داران منطقه طرد، در بدروم‌ها انواع تهدیدها فرار گرفته بودند. مثلاً زمانی که کارگران در ساختمان سازمان آب و برق دست به تحمّن سه‌روزه‌ای زده بودند، آب استالنه خزعلی وقتی که به جمع متحمّنین وارد می‌شود، ابتدا بجای اینکه از کارگران سؤال کند که خواسته شما چیست؟ در شما چیست؟ میگوید: «من ارتش را به این عظمت سرکوب کردیم!» یعنی شما کارگران راه‌هم‌بسته می‌کنیم! و حالا چون کارگران آب و برق! شما حماقت کرده‌اید و قصد بقیه در صفحه ۱۵

# کارگران جهان متحد شوید!

شماره از صفحه ۲  
جدید نیکه در مورد جنبش کارگری.

خرده بورژوازی، مفهوم جمهوری اسلامی را در منظر کارگران می چسباند و سعی میکند از فواید آن بهره مند شود و از طرف دیگر کوشش دارد تا این جنبش را کویس نکند. در حال حاضر این خرده بورژوازی است که اعتقاد است وگزارشات طبقه کارگر را در همه مسائل و حتی در سیاست هدایت و رهبری میکند. اما همه میدانند که بین منافع واقعی طبقه کارگر و آنچه خود او آگاهانه فکر میکند، تعارض آشکاری وجود دارد. و این سالها عجیبی نیست... هرگز در دنیا، جنبش کارگری، نمیتواند تحت یک شکل خالصی طبقاتی آنچنان که مینور و مغز و پیترو تراوش کرد، ظاهر شود. تنها به برکت یک متارزه طولانی و فعالیت بیگیر کارگران پیشرو و تمام کارگران آگاه است که جنبش طبقه کارگر میتواند استقامت کند. با بدو خود را از هرگونه موهوم پرستی، تشنگ نظری، انحطاط زطنی و تلقینات خرده بورژوازی بیزانند (لنین، راجعه دلو شماره ۱، ۲۲ آوریل ۱۹۱۴)

مارکسیسم، لنینیسم، بعنوان ایدئولوژی طبقه کارگر، تنها به اعضای یک رشته ترها و ترسانها می توانست که این مقام را اشغال میکند. اعتبار آن در این رابطه است که منافع طبقه کارگر را صحیحاً توضیح میدهد.

خرده بورژوازی تا زمانیکه در جنبش عمیق تر هم شده اند و تئوری که بخوانند و مطالعه کنند و نظم سازماندهی را با این رژیم برگرداند، با یک راهزنی و سرکوب و سعی همواره با جلالت نیروهای سیاسی و فرمهای مشخص اقتصادی و سرکوب شده، با استفاده کند. این رژیمها جنبه ضد انقلابی را در بورژوازی طبقه کارگر و دیگر نیروهای خلق، با بدافشاء خود، با بدبینی طبقه کارگر، این بدبینی را ترویج و تبلیغ کرد که خرده بورژوازی قادر نیست منافع طبقه کارگر را تامین کند. آنها با بددرد کنند که با اینکه پس از پیام، قدرت از ضد خلق پس گرفته شد، ولی خرده بورژوازی بعنوان رهبران انقلاب نتوانست این انتقال را انجام دهد. آنها با بددرد کنند که فقط پرولتاریاست که میتواند قدرت را از ضد خلق پس گرفته و نگاه دارد. "بورژوازی به پرولتاریا متکی نیست. انقلاب ما انقلاب همگانی است، با اینکه همیشه به یک طبقه خاص با بدبینی مبارزه طبقاتی خود اکتفا کنی...، نوشتار دموکراسی به پرولتاریا متکی است. انقلاب ما یک انقلاب همگانی است. با اینکه همیشه به بدبینی متکی است و بدترین طبقات و یگانها، طبقه تا آخر انقلابی، مابقی خود را صرف آن نمایی که نه تنها به جدی ترین طریقی در آن شرکت کنی، بلکه رهبری آن را نیز بر عهده خود گیری." (دوتا کنیک - لنین)

(۱) - نقل از سخنان نماینده کارگران در گنگره شورایهای اسلامی

بنی بر خوبی میداند، اینجا دیگر ارزشی نداشته ای. بر اساس خواسته های هیات حاکمه سخت، دشوار و در طولی التماس غیر ممکن است. این نیرویی که میخواهد حول مبارزه کدابی با امپریالیسم جمع و جمع کند، علیه ارزش -- برای اینکه بتواند بر ارزش بخوبی حکمروایی کند -- بهره می برد.

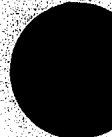
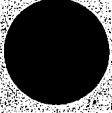
این است فلسفه بنی صدر: در مقام حفظ سیستم از هر چیزی علیه چیزی دیگر سوجدستن، بقول مارکس جنبش افرادی نمیتوانند کسی چیزی بدهند بدون آنکه آنرا از دیگری بستانند. و بنی صدر که خیال دارد در این گیرودار بحران خود را هر چه بیشتر به حفظ آنچه "میتوان آنرا حفظ کرد" مشغول کند، تا گریز از جنبش ما نورهائی است: او بدون اینکه بر اساس یک جامعه بحران زده، دستی بزند، به بددردی میان نیروهای طبقاتی و اجتماعی موجود می پردازد.

هیات حاکمه از برگزاری انتخابات چه هدفی را دنبال می کند! همشهریان مبارز! هیات حاکمه بانه تصویب رساندن قانون اساسی ارتجاعی این دست بخت مجلس خبرگان و با انجام انتخابات بدین نحو قصد دارد سرعت پایگاههای ارتجاعی خود را مستحکم کرده و با سرعت و توان بیشتری به سرکوب آزادیخواهان و زحمتکشان مبارز برسد. هدف آنها تثبیت موقعیت سرمایه داران و وابستگان سیستم امپریالیسم جهانی است که هنوز یکسال بعد از پیام برنگوه میگردم به مکیدن خون آنها مشغولند. تنها دشمنان قسم خورده کارگزاران و زحمتکشان هستند که مورد تشبیهاتی هیات حاکمه دستگیرهای غریب و طویل تبلیغاتی آنان است.

آنها با هزاران دوز و کلک مثل دور مرحله ای کردن انتخابات، محدود کردن کاندیدها با قانون اساسی ارتجاعی، با تقلب و رای منسوخ کردن و... میخواهند جلوی ورود نمایندگان واقعی مردم را بکنند. مجلس بگیرند. اتحاد و همبستگی تمام کارگران مبارز و زحمتکشان آگاه و روشنفکران انقلابی است که میتواند مانع از تحقق خواسته های ارتجاعی هیات حاکمه شود.

با دفاع از شهناز قنبری به افشای سیاستهای ضد مردمی هیات حاکمه بپردازیم. با دفاع از شهناز قنبری صف نیرومند نیروهای خلقی را مستحکم تر ساخته، مجلس را مستحکم تر بیونی برای طرح و دفاع از خواسته های واقعی خود را بدل نمائیم.

(رزمندگان آزادی طبقه کارگر) حوزه خوزستان



اختیار کتابی تحت عنوان اسامی ۸۰۰۰ ساواکی ارتبط "اتحادیه" کمیونستهای ایران انتشار یافته که بر صدا و بیانی براه انداخته است. افشای نام ساواکی ها خواست همه مردم و نیروهای انقلابی و امری است ضروری و لازم و حیاتی تا که با خود را از این عقل و بینش نگاه داشتن اسناد مربوط به جنایات ارتش و ساواک تنها بیوند نزدیک و سازش خود با مفاصل رژیم مائستی را اثبات می نماید.

در این رابطه البته وظیفه همه نیروهای انقلابی است که در افشای اسناد جنایات رژیم پیکار شده و اسامی ساواکیها بگویند تا هم مردم بتوانند این خاکین را شناخته و با آنها تسویه حساب کنند و هم سازشکاری و ضد خلقی بودن رژیم بر آنها مکتوم گردد. اما ضرورت افشای نام ساواکی ها بنا بر مابعد از برخورد مسئولان به امر انتشار آنهاست. آنها باید جزا که ارتجاع خات کم و سرسزدگان رژیم سابق که در همه جنبه های رژیم موجود حضور و نفوذ دارند را در بدنه نهادن کردن لیست اسامی و تا بود کردن اسناد مربوط جنایات خود پرده اندازند. اتحادیه کمیونستهای که در بین نیروهای انقلابی کمترین اوضاع و احوال جامعه ما آشنا است در این رهگذر با منازات دورانی است. سینه ارتجاع پهنوی و منسازان آن کمتر آشنا بی دارند از چو حلیم کسب ضربه تا این لیست داخل دنگ افتاد و دیدم سوطه این عناصر گرفتار آمد.

لیست انتشار یافته ساواکیها منسازان و انقلابیونی که با آنها در زیر شکنجه جلادان شاه قرار داشتند بیکیار تمامی اعتبار خود را از دست داد. لابد در این میان اتحادیه کمیونستها چه تقصیری دارند که از **شهادت محمد رضا آخوندی یا محمود دهم آبادی** و ... اطلاع ندارند؟ اتحادیه کمیونستها وقت هم نداشته که لااقل با تماس ساده ای با نیروهای انقلابی که با آنهاست در ایران فعالیت میکنند و اعتبار لیست خود را از مایه می نماید و در این میان می بینیم حزب بوده و تمامی ساواکیها بی که آسمان در این لیست آمده طلبکار میشوند و شکایت هم میکنند. چه آنها هم به اعتبار محدودش بودن لیست ادعای بی گناهی می نمایند و جویگویی آنها هم اتحادیه کمیونستها نیست؟! در حقیقت سنگی که اتحادیه بلند کرد بر روی پاهای خودش افتاد. با تمام ندرت کراتی که به مسئولان اتحادیه کمیونستها داده شده آنها اقدامی برای جمع آوری کتاب و اسناد نگاشته در آن انجام نداده اند. ما تمام مسئولینهای این عمل را متوجه اتحادیه می نمایم و از این رقمی است محسوس است. با هیچ آوری کتاب و برخورد مسئولان به این امر و اسناد نگاشته نیستند. این عمل غیر مسئولانه راه برای افشای صحیح و اصولی دشمنان انقلابی و اسامی و مداخل رژیم مائستی

### درباره

### کتاب

### اسامی

### مبارزین

و

### ساواکی ها !!

بقیه از صفحه ۱۳  
سرما به داران

دارند بقیه شهر را به جایتها از ما قطع کنند. ما خودمان بزرگ را قطع نمیکنیم و اعلام میکنیم که عده ای اخلالگری بزرگ را قطع کرده اند!

و در جایی دیگر وقتی که "عینی" حاکم شروع میکنند نمیتوانند کارگران را متفرق کنند و تحت فشار کارگران قرار گرفته است. بناچار برای ایجاد تفرقه بین کارگران ۸۰ هزار تومان به نماینده کارگران میدهد که بیسن کارگران تقسیم کند. ولی کارگران خیلی هوشیارتر از آن هستند که امثال جنی ها بتوانند بین آنها تفرقه ایجاد کنند. در نتیجه کارگران مبلغ ۶۰ هزار تومان نیز میگیرند و مبلغ فوق را بین آنها تقسیم میکنند که اگرایی که از همه محتاج ترند تقسیم کردند.

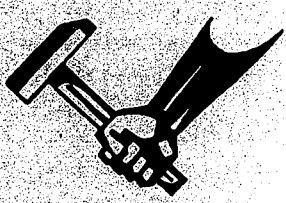
بهر ترتیب این با کارگران دیگر بستگ آمده بودند و با وجود جلوگیری باسداران اسنادی احوال آنها وارد اسنادی شده و در آنجا دست به سخن زدند.

نماینده کارگران که از این همه تفرقه اندازها و سنگ انداختن در راه آنها بهره بر میداشت گفت: "من تا کنون جلوی دهن شما را بسته بودم و گفته بودم صبر کنید! صبر کنید! ولی دیگر نمیتوانم و هر کاری بود کرده ام و دیگر خودتان میدانید چکار کنید!" او ادامه داد: "ما بهت اخلالگری زده اند و علیه ما شکایت کرده اند. قاضی معاون مدعی شکایت نوشته و اعلام کرده که ما شیشه شکسته ایم. در صورتیکه شیشه با تفنگ باسدار شکسته شده است.

آقایانی بودند که ما را تهدید میکردند و میگفتند در کتب های ۱۲ نفری بروید و مرغداری و کشتار روزی و از این قبیل کارها بکنید. ولی ما میگوییم آقایان این جا شهرکاری است. اینجا کارگزاران صنعتی هستند. در اینجا بنا بر پروژه های بزرگ تولیدی ایجاد کنند. و با ما میگویند که شما کارگر نیستید. کشتار روز هستید. بسداران کارگزاران این دروغ ما همه کارگر صنعتی هستیم تا بدهر کند ما آن چند سال سابقه کار داریم. با ما میگویند بروید جهاد سازندگی! نگذارید که من افشا کنم که در جهاد سازندگی یک مشیت بچه سرما به دار جمع شده اند که از مافع بدرا نشان حمایت میکنند. خرج اینها را ایدر نشان میدهند ولی ما که به نشان شب محتاجیم کجا میتوانیم با شکم گرسنه محاسی کار کنیم. ... و سرانجام گفت: ما یک دولت انقلابی نداشته ایم. اگر یک دولت انقلابی داشتیم سبیل این همه جانی جانی و کشتار را نصیب آورد. همه میدانند که بعد از این جهاد روزی را زندگی روزی را جانی را می آید. جانی را از کشتار می

و سببش بگردد. این مهندس غفوری که از بستگان آیت الله غفوری و معاون است. انتشار اینست در جمع کارگران شرکت کرده و سعی کرد با رخنه در صفوف کتیا رجه کارگران خواسته های آنها را به اجراء بکشد. او را کارگران **میخواستند که تک تک صحبت کنند با خواسته های آنها را بپذیرند** ولی با اعتراض کارگران آگاه و منساز روبرو شدند. کارگران ندوی گفتند: همه صحبتهای ما را بپذیرند بخوبی میدانند.

غفوری نتوانست در مقابل اتحاد و یکپارچگی کارگران مقاومت کند. غفوری در برابر خواسته های کارگران تسلیم شد. و در نتیجه قرار میشود که به کارگران مجرد ما ۲ هزار تومان و به ما هلسن ۳ هزار تومان تعلق گیرد. ضارزه اقتصادی کارگران جزیی از ضارزه آنها بر علیه سرما به داران است. کارگران کشته روز بروز بر فشار سرما به دست سنج منبشت و زندگی با شین سزی را کشته میشوند. تا گزین برای ساده تر شدن حقوق خود دست به مبارزه بی پایان و بیگمترینند. تنها اتحاد و یکپارچگی و ایستادگی کارگران میتواند نیروی آنها را تضمین کند.



بقیه از صفحه ۱۵  
رهنموده های دمرورد

دست نویس هم میتواند منتشر شود. امکانات مالی نشریه حتی الامکان از دور و بر نشریه با بدنامی شود. در این مقاله هر جا صحبت از هسته میشود منظور هسته های سیاسی کارگری است که در ارتقا تلاش سازمان انقلابیون کشور نیست تشکیل میشود. ما در این مقاله مطالب و نحوه تشکیل هسته ها را توضیح داده ایم.



# از کمونیست ها و دمکرات های

## انقلابی

### حمایت کنیم!

مبارزه طبقاتی جامعه ما غرض جدیدی را در برابر کمونیست ها گشوده است، غرضی که توده ها بصورت میلیونی در آن شرکت میکنند و بعلت توهم خود نسبت به هیات حاکمه و نظام موجود، انتظارات خویش را در جهت تامین حقوق و منافع خود در آن دنبال مینمایند.

ما به دلایلی که در بنیادیه انتخابات مجلس شورای ملی اظهار داشتیم، تا کنون شرکت در انتخابات مجلس را در پیش گرفته و در این سیرا نشای ما هیئت رژیم حاکم و نظامات موجود و ارتقاء آگامی توده ها را هدف خود میدانیم.

سیاست ما در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت در انتخابات و حمایت از کاندیداهای کمونیست و دمکرات انقلابی است و بر این پایه اعلام پشتیبانی از کاندیداهای زیر نموده و از کلیه نیروهای کمونیست و انقلابی دعوت مینمائیم که به حمایت از کاندیداهای زیر بپردازند.

تهران:

- ۱- رفیق امیرحسین احمدیان کاندیدای نبرد برای رهایی طبقه کارگر، و رفقا علیرضا سپاسی، مهدی حیدرزاده، مرتضی آلابوش، حسین روحانی، کاندیداهای سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر.
- ۲- رفیق علی اصغر ایزدی کاندیدای "راه کارگر"
- ۳- رفقا مستوره احمدزاده، مهدی حاجی قاضی تهرانی، سعید سلیمانپور و سایر کاندیداهای سازمان چریک های فدایی خلق ایران.
- ۴- مسعود جوی، مهدی ابریشمی، عباس آگه و سایر کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق ایران.

- کردستان:
- رفقا یوسف اردلان، صدیق کمانگرو و سایر کاندیداهای سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومه له) مسجد سلیمان:
- رفیق شهناز قنبری کاندیدای حوزه خوزستان و زمندگان آزادی طبقه کارگر.
- سایر شهرستانها بفرستید کاندیداهای:
- ۱- سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
  - ۲- راه کارگر
  - ۳- سازمان چریک های فدایی خلق ایران
  - ۴- سازمان مجاهدین خلق ایران



# با کاندیدای

## زحمتکشان

### مسجد سلیمان

#### آشنا شوید!



شهناز قنبری برای مردم مسجد سلیمان چهره آشنایی است او که متولد سال ۱۳۲۳ است از سنین کم با محیط کار و رنج آشنا شد و متأثر از زندگی اسارت بار کارگران نفتون در این راهی بود که به خدمت مردمش درآید. از همان دوران دبیرستان به مبارزه بر علیه رژیم خائن

بهلوی کشیده شد. او بخوبی دریافته بود که ریشه همه زنجها و محرومیت های زحمتکشان در حاکمیت نظام ضد بشری سرمایه داری وابسته نیست. او بخوبی با دانش سرمایه داران دنیا غارتگری امپریالیست ها از حاصل دسترنج توده ها آشنا شده بود و این دانستید و این نبودن سلطه رژیم و حاکمیت سرمایه داری وابسته نجات توده ها امکان ندارد. به زودی باین طبقه روشنی که از تماس با توده ها کسب کرده بود. به مطالعه مارکسیسم - لنینیسم ایدئولوژی طبقه کارگر پرداخت و دریافته بود که فقط در پناه مسلح شدن به دانش علمی مارکسیسم و ایمانی به قانونهای علمی مبارزه طبقاتی است که می توان کرد به خدمت خلق بست. با درک این نکته بود که فعالیت های مبارزاتی رفیق شهناز قنبری بخورد دوره جدید خود شد. از سال ۵۱ با تشکیل محافل دانش آموزی و بخش اعلامیه و کار افشاگرانه بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم کوشش کرد که دانسته های خود را به توده ها منتقل سازد. فعالیت گسترده او موجب شناسایی اس از طرف ساواک سردور شاه و دست گیری وی در سال ۵۴ گردید. او پس از تحمل شکنجه و آزار ساواک در بیدارگاه های رژیم سابق به ۴ سال زندان محکوم شد. دوران محکومیت او دوران جمع بندی تجارت مبارزات خلق و در این ۴ سال از آن بود. دورانی که رفیق شهناز با پایداری در مقابل پلیس ضد بشری شاه امتحان وفاداری خود به آرمانهای زحمتکشان را پس می داد. در سال ۵۷ با اوج گیری جنبش توده ها و مبارزات گشایش زندانها به دست توانای خلق او و جوان مردمی که عمیقاً بدانش عشق می ورزید بازگشت و در سنگر جدید مبارزه پرداخت. مردم مسجد سلیمان هنوز بیاد می آورند که در دوران حکومت نظامی او که تازه از زندان در آمده بود به چه طور با شرکت در میتینگها و سخنرانی افشاگرانه برای توده ها امر مهم مبارزه خلق را به پیش می راند.

کارگران و زحمتکشان که بعد از قیام بهمن ماه با هیات حاکمه ای ضد خلقی و مذاق سرمایه داری وابسته روبرو هستند و بر آورده شدن خواسته های خود رانه در وجود هیات حاکمه بلکه در ادامه راه انقلابی و مبارزه خود بر علیه نظام سرمایه داری وابسته می یابند، بسیار همیشه وفادار خود را نیز هنوز در کارشان می بینند که بیکرانه راه سترگ آزادی خلقی را می بینند و آماده است در هر کجا که لازم باشد به دفاع از آن بیاخیزد.

شهناز قنبری این بار بنیادگی از طرف زحمتکشان مسجد سلیمان با هدف انشعابی اقدامات ضد خلقی هیات حاکمه و بمنظور طرح و دفاع از خواسته های واقعی کارگران و زحمتکشان کاندید مجلس شورای ملی گردیده است.

باید از شهناز قنبری صف نیرومند نیروهای خلقی راست حکمتر سازیم

# از شهناز قنبری کاندیدای کارگران و زحمتکشان حمایت کنیم